



حضور علنی ملا برادر در میان
هواداران طالبان در پاکستان؛

«نقض آشکار حاکمیت ملی افغانستان»

اطلاعات روز: وزارت خارجه‌ی افغانستان به ویدیوی منتشرشده از رهبران طالبان در میان هواداران این گروه در خاک پاکستان واکنش نشان داده و گفته است که حضور علنی و فعالیت‌های...

صفحه ۲

ترازوی سرپایین رنج

۲۶ درصد زنان دارای معلولیت

با بدرفتاری در خانه و جامعه رو به رویند



صفحه ۳

سوء تخارم | طنز

اخیرا بانوی اول کشور در سخنانی که به مناسبت ارزش مردم‌سالاری بیان کرد، به ما اطلاع داد که...

صفحه ۴

یادداشت‌روز

پاسخ سربالا به نگرانی‌های امنیتی

در یک ماه گذشته افغانستان روزهای خونینی است. روزانه بین دو تا سه رویداد تروریستی اتفاق افتاده است. به‌کارگیری ماین‌های مقناطیسی، ترور و راکت‌پراکنی از شناخته‌شده‌ترین رویدادهای تروریستی اخیر کابل است. آمارهای رسمی نشان می‌دهند که در یک ماه گذشته دست‌کم ۳۳ نفر در کابل قربانی حملات تروریستی شده و ده‌ها تن زخمی شده‌اند. آنچه که بیشتر مایه‌ی نگرانی است، افزایش ترورهای هدفمند است. نیروهای امنیتی، افراد حکومتی، خبرنگاران و اعضای جامعه‌مدنی به‌طور مشخص در یک ماه گذشته هدف قرار گرفته‌اند. به‌طور کل ۳۱ درصد کل تلفات غیرنظامیان در تمام افغانستان ناشی از «ترورهای هدفمند» است. اما این وضعیت در کابل فرق می‌کند. دست‌کم در یک ماه گذشته تقریباً تمامی ترورها هدفمند بوده است. در هفته‌های گذشته چندین قتل هدفمند در کابل صورت گرفته است. آخرین دست‌از این نوع حملات ترور یوسف رشید رییس اجرایی نهاد نظارتی «فیفا» در روز چهارشنبه هفته گذشته است...

۲

زلمی خلیل‌زاد:

ترورهای هدفمند روند صلح را تهدید می‌کند و باید متوقف شود



۲

«تلاش رییس‌جمهور آذربایجان» برای تنش‌زدایی از روابط ترکیه و اسرائیل

اطلاعات روز: رسانه‌های اسرائیل گزارش داده‌اند که الهام علی‌اف، رییس‌جمهوری آذربایجان، با هدف بهبود روابط ترکیه و اسرائیل به یک رشته «گام‌های عملی» روی آورده است.

بر اساس این گزارش‌ها، الهام علی‌اف در گفت‌وگوی تلفنی در | صفحه ۶

فرمانده کندک ششم ارتش در بلخ در انفجار ماین کشته شد

اطلاعات روز: منابع امنیتی در شمال کشور می‌گویند که تورن محمدقاسم پیکار، فرمانده کندک ششم ارتش همراه با یک سربازش در انفجار ماین در ولایت بلخ کشته شده‌اند.

یک منبع امنیتی در بلخ به روزنامه اطلاعات روز گفت که | صفحه ۲

تخلیه

ایران و طالبان؛ فراز و فرود دشمنی و دوستی



سال ۱۳۷۷ نوجوانی مهاجر بودم که در ایران زندگی می‌کردم. گروه طالبان به شهر مزارشریف حمله کرد. جنایت هولناکی رخ داده بود. | صفحه ۴

نگارنده

رنج مضاعف ساره

روایت دردسره‌های ساره پس از کشته‌شدن شوهرش که عضو ارتش بود

ساره حدود یک سال پس از کشته‌شدن عبدالحسین، شوهرش که سرباز ارتش بوده، دو دخترش را برداشته از ولایت سرپل به کابل آمده است. ساره به اطلاعات روز می‌گوید بعد از کشته‌شدن عبدالحسین، برادر شوهرش به‌عنوان وکیل خانواده‌ی او تعیین می‌شود تا اکرامیه و امتیازات مالی را که از سوی دولت پرداخت می‌شود، دریافت کند. ساره مدعی است که برادر شوهرش معاش و امتیازات مالی را برای خودش می‌گیرد و به او و فرزندانش هیچ چیزی نمی‌دهد. ساره به کابل آمده تا معاش و امتیازات شوهرش را | صفحه ۵

۳

نگارنده

تمام پول‌های جریمه‌ی ترافیکی به خزانه دولت می‌رود؟

شهر کابل شلوغ‌ترین و مزدحم‌ترین نقطه‌ی افغانستان است. افزایش نفوس و نبود سیستم منظم ترانسپورتی باعث ازدیاد وسایط نقلیه شده است. براساس آمار ریاست عمومی ترافیک در این شهر بیش از ۶۰۰ هزار وسایط نقلیه فعال است و از این تعداد بالاتر از ۵۰ هزار آن وسایط حمل و نقل مسافربری است.

افزایش وسایط نقلیه در شهر کابل و مراعات‌نکردن قوانین ترافیکی و مقررات شهری از سوی رانندگان باعث شده سطح جریمه‌های ترافیکی نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش یابد. ریاست عمومی ترافیک می‌گوید که این اداره در هفت ماه گذشته نزدیک به ۹۷ هزار موتر را جریمه مالی کرده است و حدود ۲۲ میلیون و ۱۸۰ هزار افغانی درآمد داشته است...

شرکت سیاحتی مارک

Our Services:

- National and International E-Ticketing Facility
- Holiday Packages
- Group Discounted Air Fares
- Worldwide Hotel Reservation
- Travel Insurance services
- Hajj Umrah Services
- 7/24 Helpline

خدمات ما:

- تکنت های داخلی و خارجی
- بسته های سیاحتی
- تخفیف ویژه برای سفر های گروهی
- ریزرویشن هتل در تمام نقاط جهان
- بیمه سفر
- خدمات حج و عمره
- ۲۴/۷ ساعت خدمات

MARK TRAVEL & TOURS

AirArabia

+93 (0) 766 92 92 92 | +93 (0) 786 66 62 66 | info@marktravel.af | Facebook/Mark.Travels | Amari Square, Shar-e-Naw Kabul/Afghanistan

ادامه‌یادداشت‌روز

این وضعیت برای بسیاری از شهروندان ناامیدکننده است. زندگی عادی مردم مختل شده و امنیت روانی از جامعه رخت بسته است. بدتر از این بی‌تفاوتی نهادهای امنیتی افغانستان است. پس از هر رویدادی مسئولان امنیتی یاد گرفته‌اند که فوراً انگشت اتهام را به طرف طالبان دراز کنند. گیریم که پشت این رویدادها طالبان باشند، آیا چیزی از شرمساری و ناکامی نهادهای امنیتی را کم می‌کند. اصلا کار طالبان همین است. سال‌هاست که این گروه از رفتارهای تروریستی نان می‌خورند. چه طالبان پشت ترورهای هدفمند یک ماه گذشته در کابل باشد یا هر کسی دیگری، این وضعیت نتیجه ناکامی نهادهای امنیتی است. به‌نظر می‌رسد حکومت افغانستان به‌طور عمد از این حجم ناامنی و ناکامی چشم‌پوشی می‌کند. منافع سیاسی برخی حلقات داخل در حکومت چنین ایجاب می‌کند. دیگر برای هیچ‌کسی پوشیده نمانده که بخشی از حکومت مخالف روند جاری صلح است. منافع و ادامه‌ی حیات خود را در برهم‌خوردن آن می‌داند. برخورد سیاسی با پدیده‌ی ناامنی خطرناک و ویران‌کننده است.

از اوضاع آشفته‌ی امنیتی، ناکامی و بی‌تفاوتی نهادهای مسئول یک مسأله بدتری هم وجود دارد: پاسخ سربالای مسئولان امنیتی به نگرانی‌های امنیتی. در اوضاعی که هر روز خیرنگاران و فعالان رسانه‌ای هدف قرار می‌گیرند و به دریافت نهادهای امنیتی رسانه‌ها زیر تهدید بلند قرار دارد، پاسخ وزیر داخله به نگرانی رسانه‌ها و خبرنگاران این است که کسانی که توانایی خرید سلاح برای رسانه‌های‌شان را ندارند، «شرکت» خود را تعطیل کند. در چارچوب قرارداد اجتماعی، حکومت یگانه مرجع پاسخگو برای پاسبانی از جان و مال شهروندان به‌شمار می‌رود. در هیچ جای از جهان مسئولان حکومتی و نهادهای امنیتی نمی‌توانند این حجم از ناکامی را در تأمین امنیت که ابتدایی‌ترین وظیفه‌شان است، تحمل کنند. برای شهروندان قابل قبول نیست که حکومت نتواند امنیت پایتخت را تأمین کند. گستردگی ناامنی در روزهای اخیر به حدی است که برای شهروندان رویداد تروریستی با ابعاد تخریب کمتر مایه‌ی خوشحالی است. برای حکومتی که ادعا می‌کند بر اوضاع مسلط است، کابل را مثل کف دست خود می‌شناسد و در جنگ با طالبان دست بالاتری دارد، این وضعیت نهایت خفت است.

گفته‌های وجود دارد که قرار است این هفته مجلس نهادهای امنیتی را در پیوند به اوضاع اسف‌بار امنیتی به مجلس بخواهد. اما واقعیت این است که مجلس توان پرسش و اتوریته‌ی پاسخ‌خواهی را از دست داده است. ناامنی کابل مال امروز و دیروز نیست ماه‌هاست که ناامنی در کابل بیداد می‌کند. در روزی که مجلس به وزرای امنیتی کیلویی رای داد، کابل شاهد چندین راکت بود. برگزاری نمایش دعوت از مسئولان امنیتی در مجلس چیزی جز آب سرد ریختن روی نگرانی‌های مردم نیست. اگر مجلس به دنبال پاسخگوکردن نهادهای امنیتی مرتبط با ناکامی‌های اخیر و افزایش قتل‌های هدفمند است، باید به معنای واقعی کلمه وزیران امنیتی را استیضاح کند.

بیش از هر کس دیگری حکومت باید درک کند که هرگونه کوتاهی و یا ناتوانی در مهار ناامنی‌های اخیر به جایگاه و اعتبار دستگاه امنیتی لطمه زده و بی‌اعتمادی شهروندان را به حکومت بیشتر می‌کند. در حال حاضر پرسش شهروندان این است که چرا به‌رغم ناامنی‌های دوامدار، حکومت قادر نیست امنیت پایتخت را تأمین کند و چرا هنوز در ذهن مقام‌های امنیتی، هیچ راه‌حلی برای ناامنی‌های مدام کابل خطور نمی‌کند.

اطلاعات روز: زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان گفته است که قتل‌ها و ترورهای هدفمند روند صلح را تهدید می‌کند و باید متوقف شود. آقای خلیل‌زاد در رشته‌توییتی نوشته است که مردم افغانستان صلح می‌خواهند و آتش‌بس و توافق سیاسی همچنان نیازهای فوری اند که باید به آنها پرداخته شود. او از هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان خواسته است که تلاش‌های‌شان را برای رسیدن

به یک توافق سیاسی و برقراری آتش‌بس بیشتر کنند. خلیل‌زاد تأکید کرده که امریکا آماده است دو طرف را در این راستا همکاری کند. نماینده‌ی ویژه‌ی امریکا برای صلح افغانستان افزوده است که موجی از خشونت‌ها که راه را برای زندگی نیز سخت کرده، سبب ایجاد وهم شده و در نهایت «افغان‌ها» را مجبور به ترک وطن‌شان خواهد کرد.

او نوشته است: «این مسیر شگوفایی و رفاه

یک جامعه نیست.» خلیل‌زاد این اظهارات را در واکنش به ترورهای اخیر در کشور که به‌گونه‌ی هدفمندانه صورت گرفته، مطرح کرده است. او افزوده است کسانی که در پشت این حملات تروریستی اند، باید به حساب‌دهی کشانده شوند.

در چند روز اخیر، شماری از داکتران مؤظف در زندان پل‌چرخی، یوسف رشید رییس اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه‌ی افغانستان (فیفا) و فرشته

فرمانده کندک ششم ارتش در بلخ در انفجار ماین کشته شد

در این رویداد دو سرباز دیگر ارتش زخمی شده‌اند.

از سوی هم، منبع افزود که در یک حمله‌ی هوایی نیروهای ارتش در مربوطات ولسوالی چهارپوک بلخ، ۱۰ جنگ‌جویان گروه طالبان کشته و سه جنگ‌جویان دیگر این گروه زخمی شده‌اند. او تأکید کرد که این جنگ‌جویان قصد حمله بر نیروهای امنیتی و دفاعی را داشتند.

ولایت بلخ در شمال کشور موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت نسبتا ناامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت تروریستی دارند.

حضور علنی ملا برادر در میان هواداران طالبان در پاکستان؛ «نقض آشکار حاکمیت ملی افغانستان»

مورد استفاده قرار گیرد.

در بخشی از این اعلامیه آمده است که حکومت افغانستان بسته‌شدن پناهگاه‌های شورشیان و تروریستان و قطع فعالیت‌های آنان را در حل مسالمت‌آمیز بحران افغانستان و تأمین صلح و ثبات منطقه‌ای امر حیاتی می‌داند و یک‌بار دیگر بر ادامه‌ی همکاری‌های صادقانه و مبارزی واقعی علیه تروریزم و تهدیدات مشترک تأکید می‌کند. پیشتر، امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری در توییتی نوشته بود که ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی و رییس دفتر سیاسی طالبان در قطر برای انجام سه کار به پاکستان رفته است.

آقای صالح نوشته بود که ملا برادر از

وزارت خارجه در این مورد ابراز تأسف و نگرانی کرده و گفته‌است که در این ویدیوها دیده می‌شود که شماری از رهبران طالبان در حال بازدید از اردوگاه‌های آموزشی این گروه هستند.

به نقل از اعلامیه، حضور علنی و فعالیت‌های عناصر شورشی افغان و رهبران آنان در قلمرو پاکستان، سبب ادامه‌ی بحران و بی‌ثباتی در منطقه شده و تأمین صلح پایدار در افغانستان را با چالش جدی مواجه می‌کند.

وزارت خارجه‌ی افغانستان از حکومت پاکستان خواسته است که نگذارد قلمرو آن کشور از سوی «شورشیان» و عناصری که بر ادامه‌ی جنگ و خون‌ریزی تأکید دارد،

پولیس فاریاب:

از دو انفجار ماین بر نمازگزاران یک مسجد در شهر میمنه جلوگیری شد

شام دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۴ جدی) این ماین‌ها را پیش از آن‌که منفجر شود، کشف کرده‌اند. در پیوند به این قضیه یک نفر بازداشت شده است.

گروه طالبان تاکنون در این باره چیزی نگفته است.

ولایت فاریاب در شمال کشور موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت ناامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت گسترده‌ی تروریستی دارند.

از سوی هم، پولیس فاریاب درحالی از جلوگیری از انفجار ماین بر نمازگزاران یک مسجد خیر داده است که اخیرا حملات و ترورهای هدفمند خبرنگاران، فعالان جامعه مدنی و غیرنظامیان در کشور افزایش یافته است.

سفارت آلمان در کابل:

هدف قراردادان خبرنگاران و فعالان مدنی قابل قبول نیست

و آتش‌بس و توافق سیاسی همچنان نیازهای فوری اند که باید به آنها پرداخته شود.

این درحالی است که اخیرا حملات هدفمند بر خبرنگاران و فعالان جامعه مدنی به‌طور نگران‌کننده افزایش یافته است.

در آخرین مورد، روز پنج‌شنبه فرشته کوهستانی، از فعالان حقوق زنان در کاپیسا همراه با برادرش از سوی افراد

خبرهای داخلی

زلی خلیل‌زاد:

ترورهای هدفمند روند صلح را تهدید می‌کند و باید متوقف شود

کوهستانی فعال حقوق زنان در کاپیسا، از سوی افراد ناشناس هدف قرار گرفته و کشته شدند.

هیچ گروهی مسئولیت این رویدادها را بر عهده نگرفته است.

خلیل‌زاد نوشته است: «هر جامعه به افرادی چون یوسف و فرشته نیاز دارد. آنان به مثابه‌ی وجدان جامعه اند و قلب اجتماع را زنده نگه می‌دارند. آنها نباید در ترس و ارعاب باشند، یا بدتر از آن، کشته شوند.»

جنگ‌جویان زخمی این گروه که در یک شفاخانه دولتی بدون ویزا بستری هستند، عیادت کرده و سپس برای ال‌هام‌بخشیدن به دانش‌آموزان «ترور»، به یک مرکز آموزشی رفته است. او همچنان نوشته بود که ملا برادر از دولت پاکستان نیز برای حمایت گسترده‌ای که از طالبان دارد، سپس‌گزاری کرده است.

ذبیح‌الله مجاهد، از سخن‌گویان گروه طالبان اما در رشته‌توییتی گفته است که ملا برادر از «مریضان مهاجرین افغان» در پاکستان عیادت کرده و به آنان در مورد اوضاع کشور معلومات و اطمینان داده است. مجاهد نوشته است که این کار عیب نیست و نباید کسی از آن سوءاستفاده کند.

گاز برای پُر کردن بادکنک گازی استفاده می‌شد.

به گفته‌ی او، بررسی‌های بیشتر در مورد چگونگی وقوع این رویداد آغاز شده است.

در روزهای جمعه استفاده از بالن‌های گاز جهت بادکردن بادکنک گازی در هرات زیاد استفاده می‌شود. در بیشتر موارد، در وقت استفاده از این بالن‌ها، نکات ایمنی رعایت نمی‌شود.

هادی خوش‌نویس

گزارشگر

شهر کابل شلوغ‌ترین و مزدحم‌ترین نقطه‌ی افغانستان است. افزایش نفوس و نبود سیستم منظم ترانسپورتی باعث ازدیاد وسایط نقلیه شده است. براساس آمار ریاست عمومی ترافیک در این شهر بیش از ۶۰۰ هزار وسایط نقلیه فعال است و از این تعداد بالاتر از ۵۰ هزار آن وسایط حمل و نقل مسافربری است.

افزایش وسایط نقلیه در شهر کابل و مراعات‌نکردن قوانین ترافیکی و مقررات شهری از سوی رانندگان باعث شده سطح جریمه‌های ترافیکی نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افزایش یابد. ریاست عمومی ترافیک می‌گوید که این اداره در هفت ماه گذشته نزدیک به ۹۷ هزار موتر را جریمه مالی کرده است و حدود ۲۲ میلیون و ۱۸۰ هزار افغانی درآمد داشته است. کابل شاید بی‌نظم‌ترین شهر از نظر رعایت قوانین ترافیکی و نظم شهری باشد. آیا همه کسانی که قانون‌شکنی می‌کنند جریمه می‌شوند یا تمام جریمه‌ها به خزانه‌ی دولت می‌رود؟ در این گزارش با تعدادی از راننده‌ها صحبت شده است که مدعی‌اند برخی مواقع پارچه‌های جریمه قلابی است و مأموران ترافیک ساحه کار و ایستگاه‌های موتر را به راننده‌ها به کرایه می‌دهد.

از جریمه‌های چنددهزاری تا یک نوشیدنی رحمت غلامی راننده‌ای که می‌گوید چندین‌بار توسط مأموران ترافیک جریمه شده و پارچه جریمه دریافت کرده است. آقای غلامی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید مأموران ترافیک برای آن‌که از راننده‌ها پول بیشتری بگیرند آن‌ها را با توقیف کردن موترشان می‌ترسانند: «در اول چنددهزار افغانی طلب می‌کند و پسان به ۵۰۰ افغانی و حتا به یک انرژوی مانستر هم قانع می‌شود.»

راننده‌ای که نخواست اسمش ذکر شود می‌گوید روزانه تا ۷۰۰ افغانی کار می‌کند و بعضی اوقات تا ۳۰۰ افغانی از این پول را مأموران ترافیک از او به‌عنوان جریمه می‌گیرند. این راننده اضافه می‌کند که در یک ماه اخیر دوبار ۳۰۰ افغانی جریمه شده است و در ۱۱ سال رانندگی حداقل پنج تا شش هزار افغانی به مأموران ترافیک جریمه داده است: «جریمه را نقدا می‌گیرد و در مقابلش پارچه‌ی قلابی می‌دهد.»

راننده‌ها می‌گویند از آن‌جایی که مأموران ترافیک جریمه‌ها را به‌صورت نقدی دریافت می‌کنند احتمال این‌که درآمد این اداره از درک جریمه‌کردن راننده‌ها بیشتر باشد وجود دارد. تعدادی از راننده‌ها در گفت‌وگو با



تمام پول‌های جریمه‌ی ترافیکی به خزانه دولت می‌رود؟

جعلی و تقلبی به‌طور نقد از او گرفته شده است. سلیمان اضافه می‌کند که هر هفته در حدود یک هزار تا یک هزار و ۵۰۰ افغانی به ترافیک جریمه می‌دهد: «ترافیک جریمه را نقد می‌گیرد و هر هفته ۱۰۰ افغانی ترافیک بابت هر موتر بدون کدما گپ می‌گیرد.» اضافه‌تر از ۲۰ هزار افغانی را احمد فهیم در در چهار سال رانندگی به ترافیک جریمه پرداخته است و حالا هر هفته یک هزار و ۲۰۰ تا یک هزار و ۴۰۰ افغانی به ترافیک جریمه می‌دهد و ۱۰۰ افغانی به خاطر «ایستگاه موترها» مجبور است پرداخت کند: «از صبح تا چاشت از هر موتر ۲۰ افغانی و بعد از چاشت از هر موتر ۱۰ افغانی می‌گیرند.»

وعده‌ای که باز هم وعده داد شد سیدنورالله مراد، رییس عمومی ترافیک می‌گوید: «بیشترین جریمه ترافیکی در شهر کابل روزانه بین ۵۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار افغانی بوده و در سال تا سطح یک میلیارد افغانی هم رسیده است.»

رعایت‌نکردن قوانین ترافیکی و جریمه‌های حاصل از آن در هفت ماه امسال (از ماه سرطان به بعد) نسبت به مدت زمان مشابه آن در سال قبل ۱۰ درصد افزایش یافته است، درحالی‌که به‌گفته‌ی مسئولان ریاست عمومی ترافیک در چهار ماه اول سال ۱۳۹۹ به خاطر شیوع کرونا فعالیت اداره ترافیک محدود بود و تخلفات رانندگی کم بوده است: «چهار ماه اول سال کرونا شیوع پیدا کرد. از سرطان به بعد تا حالا در حدود ۲۲ میلیون و ۱۸۰ هزار افغانی ترافیک به خاطر جریمه‌های ترافیکی به‌دست آوردیم و این عواید نسبت ۹ ماه پارسال ۱۰

می‌گیرد: «در جریمه‌کردن پارچه‌های تقلبی می‌دهد. گاهی پول می‌دهیم اما پارچه را نمی‌گیریم. یک‌بار ۲۰۰ افغانی دادم پارچه نگرفتم. در پل باغ عمومی نظر به شلوغی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ افغانی ترافیک پول می‌گیرد.» راننده‌ها می‌گویند سیستم دادن پول به مأموران ترافیک طوری است که مأموران ترافیک مستقیم پول را نمی‌گیرند و راننده‌ها که پارچه جریمه دریافت می‌کنند باید پول را به نزدیک‌ترین کراچی‌وان ساحه یا به یک دکان تحویل بدهند و شب مأموران ترافیک با مراجعه به آن شخص پول جریمه‌ها را از آن‌ها دریافت می‌کنند.

از یک سال به این طرف علی‌جان پنج‌بار توسط ترافیک جریمه شده است. دوبار ۳۰۰ افغانی به ترافیک جریمه داده و سه بار ۲۰۰ افغانی، او می‌گوید که ترافیک به‌دلیل تمام‌شدن مدت «لیسنس» و «نداشتن جواز سیر» او را جریمه کرده است و این جریمه‌ها را به‌صورت نقدی دریافت کرده است.

غلامسخی می‌گوید از زمان رانندگی او بسیار بیشتر از ۵۰ افغانی به ترافیک جریمه داده است جریمه‌های که او می‌گوید مأموران از او نقد دریافت کرده است: «هفته یکی-دو بار ۳۰۰ افغانی جریمه می‌شوم. چک پاینت‌های غیرضروری باعث می‌شود جریمه شویم. اضافه‌تر از ۲۰ چک پاینت د یک مسیر است. اول صبح ترافیک ۵۰ تا ۱۰۰ افغانی می‌گیرد ما می‌گوییم خیر است یک پول چای است. اما جریمه‌ها با پارچه تقلبی و کاپی‌شده است.»

سلیمان در ۱۱ سال رانندگی بیشتر از ۲۰ هزار افغانی به ترافیک جریمه پرداخته است؛ جریمه‌هایی که او می‌گوید با پارچه‌های

روزنامه اطلاعات روز می‌گویند بخش زیادی از پارچه‌های که مأموران ترافیک به راننده‌های «خاطی» می‌دهد کاپی و جعلی است و درآمدش به جیب دولت نمی‌رود.

راننده‌های که در این گزارش با آن‌ها صحبت شده، می‌گویند مأموران ترافیک، نواحی را نظر به جمعیت‌شان به راننده‌ها کرایه می‌دهد و کرایه‌ی هر نقطه به ازدحام و شلوغی‌بودنش بستگی دارد. محمد (مستعار) می‌گوید مثلاً مزدحم‌ترین نقطه‌ی پل باغ عمومی برای راننده‌های که مسافر سوار کند هفته‌وار ۵۰۰ افغانی آب می‌خورد و نواحی کم‌جمعیت این قسمت برای راننده‌ها تا ۳۰۰ افغانی هزینه دارد: «پل باغ عمومی بدون اما و اگر باید هفته ۳۰۰ افغانی به ترافیک پول بدهی تا مسافر بالا کنی و در قسمت‌های مثل پل سرخ هفته ۱۰۰ افغانی بدهی.»

زمان ۱۷ سال می‌شود راننده است. ۱۰ سال راننده‌ی موترهای باربری و این هفت سال آخری را تاکسی خریده و مسافرکشی می‌کند. زمان می‌گوید زیادترین کلمه‌ی که در این ۱۷ سال شنیده کلمه «جریمه» توسط ترافیک بوده است؛ طوری که او در زمان رانندگی موتر باربری هر روز مجبور بود ۳۰۰ افغانی جریمه بدهد که ماهانه «۹ هزار افغانی» می‌شود: «وقتی دریور موتر باربری بودم روزانه ۳۰۰ افغانی که ماهانه ۹ هزار افغانی می‌شود جریمه می‌دادم و در هفت سال تاکسی‌رانی حد‌اوسط ۱۰ هزار افغانی به ترافیک جریمه دادم و این جریمه‌ها را نقدی می‌گرفت.»

زمان می‌گوید در ساحه‌ی آن‌ها مأموران ترافیک از هر ۱۰ موتر مسافربری هفته‌وار یک‌هزار و ۴۰۰ افغانی به خاطر «جا» پول

ترازوی سر پایین رنج

۷۴ درصد زنان دارای معلولیت با بدرفتاری در خانه و جامعه روبه‌رویند

مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند در کوچه و بازار از سوی مردم مورد خشونت قرار گرفته‌اند و سه درصد آن‌ها گفته‌اند از سوی اعضای خانواده لت‌وکوب شده‌اند.

براساس گزارش بنیاد آسیا در سال ۲۰۱۹ بیش از ۱۳ درصد معلولان افغانستان دارای معلولیت شدید هستند و نیاز به حمایت‌های بیشتری دارند. با توجه به شرایط موجود و بحران کرونا در سال جاری، نهاد آلسو با ۴۷ تن از زنان دارای معلولیت که عمدتاً بالای ۱۵ سال دارند در ولایت‌های کابل، بلخ، بامیان و پروان گفت‌وگو کرده است. براساس یافته‌های این نهاد خشونت و بدرفتاری نسبت به زنان دارای معلولیت شامل بدرفتاری در سطح خانواده و اجتماع می‌شود. نگاه ترحم‌آمیز مردم، سرزنش و تحقیر نیز از جمله رفتارهای آزاردهنده علیه زنان دارای معلولیت جسمی است.

بر مبنای این گزارش، ۳۲ درصد مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند به‌دلیل معلولیت آن‌ها همواره از سوی خانواده‌های‌شان مورد خشونت و سرزنش قرار می‌گیرند.

براساس یافته‌های نهاد آلسو موانع و مشکلات زیادی در برابر ازدواج، کار، دسترسی به آموزش و مشارکت اجتماعی زنان دارای

معلولیت وجود دارد. شکلی نظری عضو بُرد رهبری نهاد آلسو می‌گوید زنان دارای معلولیت با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند: «از نظر وضعیت صحی، خدمات آموزشی و تحصیل دسترسی کمتری دارند و حتا از سوی خانواده‌ها مورد تبعیض و بی‌توجهی قرار می‌گیرند.» به‌گفته‌ی او بسیاری از خانواده‌ها حضور افراد دارای معلولیت را ننگ و عار پنداشته و حتا در مراسم و محافل از حضورشان خودداری می‌کنند.

خانم نظری با یادآوری مشکلات زنان دارای معلولیت می‌گوید برای آن‌ها سهولت‌های لازم در نظر گرفته نشده است و با وجود کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت آن‌ها مورد بی‌مهری گسترده قرار گرفته‌اند: «با وجود کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت، هر نوع خشونت علیه زنان منع شده است و براساس قانون محو خشونت هر نوع بدرفتاری در برابر زنان ممنوع است.»

محرومیت از کار در دولت و بیرون از دولت

از میان ۴۷ نفر مصاحبه‌شونده، نزدیک به ۴۵

فیصد افزایش یافته است.» عبدالودود خیرخواه، مدیر عمومی پلان و احصایه ریاست عمومی ترافیک در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که آن‌ها در حال کار روی الکترونیکی کردن سیستم جریمه‌های ترافیکی است که در آن به راننده متخلف «تکت» داده می‌شود تا پولش را مستقیم به بانک تحویل بدهد: «در استمرار زمان پلان داریم تا پروسه گرفتن جریمه را کاملاً الکترونیکی کنیم... عواید ترافیک به خزینه دولت انتقال می‌شود.»

آقای خیرخواه ادعای جعلی‌بودن پارچه‌های جریمه ترافیکی را رد می‌کند و می‌گوید تا هنوز شکایتی در این مورد به آن‌ها نرسیده است اما فساد در میان کارمندان و مأموران این اداره را تأیید می‌کند و اضافه می‌کند که آن‌ها برای کاهش و محو فساد، برنامه‌های مختلفی مثل برگزاری سیمینار و آگاهی‌دهی به کارمندان این اداره درباره فساد را برگزار کرده است: «تا جایی فساد در ترافیک را تأیید می‌کنم. از دلایل عمده فساد توزیع جواز رانندگی بود که در آن فساد وجود داشت و توزیع‌اش معطل قرار داده شد تا مکانیزم اصولی اساسی در پرتو قوانین و مقرر جواز رانندگی، برایش ترتیب شود و مطابق به آن جواز رانندگی توزیع شود.»

آقای خیرخواه دست‌به‌دست‌شدن مسئولیت و صلاحیت‌های ترافیک به ادارات مثل وزارت ترانسپورت و شهرداری کابل را از مشکلاتی می‌داند که مسئولین اداره ترافیک را در سردرگمی و ابهام فرو برده است: «تنها اداره مرکزی ترافیک است که تمام ادارات ترافیک زیر همین اداره سوق و اداره شود اما متأسفانه این‌طور نیست و در قسمت تطبیق پلان نمی‌توانیم واریسی و نظارت کنیم و آن‌هایی را که تخلف می‌کنند تنبیه کنیم، چون زیر اثر ما نیستند. اگر دل‌شان شد پلان ما را تطبیق می‌کند و اگر نشد نمی‌کنند.»

اداره عمومی ترافیک در حالی از الکترونیکی کردن سیستم ترافیک سخن می‌زند که از اولین وعده‌شان در این زمینه سه سال می‌گذرد. در هفت قوس ۱۳۹۶ سهراب صدیقی، مشاور در امور ترافیک در شهرداری کابل در صحبت با روزنامه اطلاعات روز از الکترونیکی کردن سیستم ترافیک سخن زده و گفته بود که این برنامه را شش تا هفت ماه آینده اجرایی شود که در آن راننده متخلف پول جریمه را به حساب بانکی مدیریت ترافیک واریز کند. سه سال از وعده‌ها برای اصلاح سیستم ترافیک، اداره عمومی ترافیک باز هم وعده داد که سیستم‌شان را الکترونیکی می‌کند.

از میان ۴۷ زن مصاحبه‌شونده که در رده‌ی سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند، فقط ۱۳ درصد آن‌ها ازدواج کرده‌اند و ۸۷ درصد دیگر مجرد مانده‌اند.

راهکارها و پیشنهادات

مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین برای برون‌رفت از مشکلات موجود در برابر زنان دارای معلولیت پیشنهاد می‌کند در راستای مصونیت زنان دارای معلولیت، دولت باید اقدامات عملی روی دست گیرد تا خشونت و آزارهای جنسی و دیدگاه منفی نسبت به توانمندی این بخش از جامعه کم‌رنگ‌تر شود. به باور مسئولان این نهاد، دولت، نهادها و نهادهای مدنی باید در زمینه‌ی حقوق اشخاص دارای معلولیت و افزایش آگاهی خانواده‌ها و اعضای جامعه برنامه‌های آگاهی‌دهی روی دست بگیرند.

ایجاد مرکز مشاوره‌دهی به زنان دارای معلولیت که از سوی خانواده و جامعه خشونت دیده‌اند از دیگر موارد پیشنهادی این نهاد است. مؤسسه آلسو به‌طور مشخص از کمیته‌ی دادخواهی اشخاص دارای معلولیت می‌خواهد تا بحث خشونت بر این زنان را به‌عنوان موضوع جدی در برنامه‌های دادخواهی‌شان بگنجانند.

معصومه جعفری

گزارشگر

یافته‌های تحقیقی یک نهاد حقوق بشری از وضعیت زنان دارای معلولیت نشان می‌دهد که بیشتر آنان با بدرفتاری خانواده، جامعه، مشکل در ازدواج و یافتن کار در نهادهای دولتی و غیردولتی مواجه‌اند. «آلسو» یا مؤسسه افغان‌های متأثر از ماین در گزارش تحقیقی که امروز (چهارشنبه، ۳ جدی) به نشر رسانده گفته است ۷۶ درصد از مصاحبه‌شوندگان معتقدند از سوی خانواده و مردم مورد تمسخر قرار گرفته و با القاب زشت خطاب می‌شوند. همچنین ۸۹ درصد نیز گفته‌اند به باور دیگران آن‌ها ارزش زندگی کردن ندارند.

ابعاد گسترده و گوناگون خشونت

زنان افغان همواره در معرض انواع خشونت‌ها قرار دارند اما زنان دارای معلولیت بنا به مشکلات عضوی مشکلات بدتری را تجربه می‌کنند. بر مبنای گزارش نهاد آلسو، زنان دارای معلولیت مورد خشونت‌های فیزیکی، زبانی و روانی قرار می‌گیرند که همین خشونت‌ها منجر به انزوای اجتماعی آن‌ها شده است. براساس ارزیابی این نهاد، ۱۱ درصد

امریکا و سایر کشورهای هم‌پیمان با امریکا بود حمایت کرد. با قدرت‌یافتن طالبان در افغانستان و تغییر و تحولات سیاسی در منطقه، مسیر سیاست خارجی ایران نیز تغییر کرد. ایران از رویکرد سنتی خود یعنی صدور انقلاب، کمی فاصله گرفت و سیاست خارجی خود را براساس واقعیت‌های جدید افغانستان بازتعریف کرد.

مقامات امریکایی و افغان، بارها از حمایت گسترده ایران از طالبان، تجهیز و آموزش این گروه خبر دادند. نشریه‌ی تایمز در دوم جولای سال ۲۰۱۷ گزارش مفصلي را درباره رابطه پنهانی ایران و طالبان منتشر کرد. در این گزارش آمده بود که سپاه پاسداران ایران در شهرهای کرمانشاه، زاهدان و مشهد به آموزش جنگ‌جویان طالبان می‌پردازد. هدف از آموزش این نیروها به گفته تایمز، تجهیز طالبان و آماده‌سازی آنان برای جنگیدن با نیروهای امریکایی و داعش بوده است. این در حالی بود که روزنامه وال‌استریت ژورنال قبل از آن مدعی شده بود که سپاه قدس ایران برای ارسال راکت‌های زمین‌به‌هوا با گروه طالبان به توافقاتی دست پیدا کرده است.

دولت ایران این ادعاها را همیشه رد کرد و آن‌ها را بی‌اساس خواند. اما حقیقت این است که ماه‌ها همیشه پشت ابر باقی نمی‌ماند. در سال ۲۰۱۶ زمانی که ملا اخترمحمد منصور، رهبر پیشین طالبان از ایران به پاکستان برمی‌گشت، مورد حمله پهبادهای امریکایی قرار گرفت و کشته شد. باراک اوباما شخصا دستور حمله هوایی را صادر کرده بود. پس از آن که هویت او تأیید شد، این پرسش به‌وجود آمد که او در ایران چه می‌کرده؟ وزارت امور خارجه ایران از حضور رهبر طالبان در ایران، اظهار بی‌اطلاعی کرد، اما پایگاه خبری جهان‌نیوز، از تحرک دیپلماسی پنهان تهران خبر داد. این خبرگزاری نوشت که ملا منصور، نزدیک به دو ماه در ایران بوده و با مقامات مختلف ایرانی دیدار و گفت‌وگو داشته است.

در سال‌های اخیر رقابت عجیبی میان کشورها و گروه‌ها مختلف برای گفت‌وگو با طالبان ایجاد شده است. همچنین در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و تحولات افغانستان نیز تغییرات مهمی به‌وجود آمده است. این تغییرات بوده است. ایران نیز از این قافله عقب نماند و تلاش‌های گسترده‌ای را برای گفت‌وگو با طالبان انجام داد. تلاش‌هایی که از چشم مردم، رسانه‌ها و شبکه‌های استخباراتی افغانستان و جهان پنهان نماند. و دیپلماسی پنهان تهران، آهسته‌آهسته به دیپلماسی آشکار و پویا تبدیل شد.

در سال‌های اخیر، ایران از سیاست انکار و حاشا‌درباره ارتباط خود با طالبان دست کشید و عملاً از آن سخن گفت. اواخر ماه سپتامبر یک هیأت از گروه طالبان به رهبری ملا عبدالسلام حنفی، معاون دفتر سیاسی طالبان به همراه چهار نفر دیگر به تهران سفر کردند و در این دیدار با مقامات ایرانی گفت‌وگو کردند. همچنین در ۲۷ نوامبر سال ۲۰۱۹ ملا



دیدار هیأت طالبان با سفیر جدید ایران در دوحه

ایران و طالبان؛ فراز و فرود دشمنی و دوستی

وحیدالله شمس

ایران بر این باور است که دو واقعیت در افغانستان وجود دارد؛ طالب یک واقعیت است. اما آنچه که در ۱۹ سال گذشته در افغانستان اتفاق افتاده، دستاوردهایی که مردم افغانستان دارند، دموکراسی، حقوق اقلیت‌ها، حقوق زنان این‌ها هم واقعیت است. این‌ها که طالب بگوید آینده‌ی افغانستان را من تعیین می‌کنم، نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن واقعیتی که در ۲۰ سال گذشته در افغانستان اتفاق افتاده است، چنین ادعایی کند. همچنین او اضافه کرد که «طالب اقدامات تروریستی بسیاری انجام داده است. این‌ها که طالب یک گروه تروریستی هست یا نه؟! در قوانین ما هنوز طالبان را از گروه تروریستی خارج نکردیم.»

جواد ظریف این صحبت را در حالی انجام می‌دهد که به‌تازگی هیأت طالبان با سفیر این کشور در دوحه ملاقات کردند. اجندای این ملاقات، تریک انتصاب سفیر جدید ایران در دوحه از سوی طالبان و محکومیت ترور محسن فخری‌زاده است. از سوی دیگر، ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی طالبان، صحبت‌های وزیر امور خارجه ایران را «دخاله آشکار این کشور در امور داخلی افغانستان، غیرمستولانه و ناشی از ناآگاهی وی» تعبیر کرد.

روابط تهران و طالبان از بدو به‌وجود آمدن این گروه، فراز و فرودهای بسیاری داشته است. زمانی که طالبان در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسید، ایران جزء کشورهایی بود که حاکمیت این گروه را به رسمیت نشناخت. ایران برخلاف رقبای منطقه‌ای خود مشروعیت این گروه را رسمیت نداد و در یک چرخش استراتژیک از جبهه شمال که در آن زمان مورد پشتیبانی

در سال‌های اخیر رقابت عجیبی میان کشورها و گروه‌ها مختلف برای گفت‌وگو با طالبان ایجاد شده است. همچنین در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و تحولات افغانستان نیز تغییرات مهمی به‌وجود آمده است. افراط‌گرایی و خطر تروریسم، منشأ بسیاری از این تغییرات بوده است.

استراتژی‌های جمهوری اسلامی در افغانستان از اولویت خارج شد. در سال‌های اخیر این ایده جای خود را به منافع و رویکردهای جدید جمهوری اسلامی در قبال افغانستان داده است. امریکاستیزی، رقابت‌های منطقه‌ای با کشورهای همسایه به‌خصوص عربستان، خطر داعش و تروریسم، مسأله آب و رودخانه هلمند از جمله مواردی است که ایده صدور انقلاب را کمی کم‌رنگ‌تر کرده است. استراتژی‌های تازه، رویکردهایی است که متأثر از نهادهای امنیتی-نظامی این کشور در افغانستان دنبال می‌شود.

رابطه پرفراز و نشیب ایران و طالبان
جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگویی که روز دوشنبه، ۱ جدی ۱۳۹۹ با یکی از شبکه‌های داخلی افغانستان داشت به تشریح مواضع جمهوری اسلامی در قبال طالبان پرداخت. او گفت: «جمهوری اسلامی

حضور امریکا در افغانستان و تضاد منافع با این کشور است. امریکا در طول دو دهه گذشته قدرتمندترین کشوری بوده که در تحولات سیاسی افغانستان نقش داشته است. سیاست‌های امریکا در قبال ایران و هژمونی گسترده‌ی این کشور در منطقه و جهان مهم‌ترین عامل نفوذ ایران در افغانستان بوده است.

دلیل دیگری که ایران نتوانسته جایگاه خود را در تحولات افغانستان کسب کند، بازیگران مختلف و تعدد تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی این کشور در قبال افغانستان بوده است. این مسأله موجب شد که تصمیم‌گیرندگان سیاست‌خارجی ایران همیشه دچار نوعی تضاد در شناخت، تعریف منافع و اجماع بر سر مسأله افغانستان باشند. به‌دلیل ماهیت ایدئولوژیک سیاست‌ها و اهداف ایران بعد از انقلاب در قبال افغانستان، این کشور همیشه چند گام عقب‌تر از رقبای منطقه‌ای‌اش مثل پاکستان قرار گرفته است. این مسأله باعث شد که ایران خیلی دیرتر از رقبای منطقه‌ای‌اش به تعمیق سیاست‌ها و برنامه‌هایش در افغانستان بپردازد.

ایده صدور انقلاب توسط ایران، سال‌ها به‌عنوان یک استراتژی مهم به‌اساس مداخله جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و سایر کشورها مطرح بوده است. این ایده بیشتر از جانب طیف محافظه‌کار و سنتی - مذهبی در افغانستان و سایر جوامع دنبال شده است. بر این اساس یک عده در برخی شهرهای افغانستان هر ساله کارنوال روز قدس و حمایت از فلسطین را ایجاد کردند. نمایشی که در سال‌های اخیر به‌دلیل ناهمگونی آن با جامعه افغانستان، کم‌رنگ شد و با تغییر

سال ۱۳۷۷ نوجوانی مهاجر بودم که در ایران زندگی می‌کردم. گروه طالبان به شهر مزارشیرف حمله کرد. جنایت هولناکی رخ داده بود. جنایتی که هنوز هم ابعاد آن ناشناخته باقی مانده است. خبر کشتار و قتل‌عام مردم مزارشیرف به‌زودی به گوش مهاجران در ایران و سایر جهان رسید. ما تا هفته‌ها از خانواده کاکایم خبری نداشتیم. بعدها فهمیدیم که مردان خانواده سه هفته درون چاه خانه‌شان مخفی شده بودند. بوی خون و اجساد رهاشده در سرک‌های شهر را می‌شد تا تهران استشمام کرد.

برای اولین بار عمق وحشت، ترس و ناامیدی را در استخوانم و صورت هزاران مهاجر افغان ساکن ایران می‌دیدم. حادثه شهر مزارشیرف جدای از ابعاد ضدانسانی و حقوق بشری آن از این جهت که هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در آن کشته شده بود ابعاد رسانه‌ای گسترده‌ای در ایران پیدا کرد. رسانه‌های ایران و جهان، جنایت هولناکی را که طالبان در شهر مزارشیرف رقم زده بودند، پوشش گسترده‌ای دادند.

وضعیت دشواری در ایران به‌وجود آمده بود. ابعاد فاجعه مشخص نبود. نسل‌کشی، نقض قوانین جنگ، تصفیه نژادی، مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی بود که در آن روزها تکرار می‌شد. جمهوری اسلامی ایران گیج و سردرگم شده بود. در یک اقدام فوری، شورای عالی امنیت ملی ایران، حمله به طالبان را تصویب کرد و ارتش این کشور در مرزهای شرقی آماده حمله به این گروه در افغانستان شد. ایران و گروه طالبان در آستانه جنگ قرار گرفتند. هزاران سرباز ایرانی در حاشیه مرزهای شرقی ایران برای حمله به گروه طالبان آماده شدند. اگر درایت رهبر جمهوری اسلامی ایران و برخی شخصیت‌های دیگر این کشور نبود، وضعیت ایران و افغانستان اکنون گونه‌ای دیگر بود.

سیاست‌های ایران، تعدد بازیگران و تصمیم‌گیرندگان

ایران در طول چند دهه‌ی گذشته به دقت تحولات افغانستان را دنبال کرده است. و همیشه تلاش کرده نقش فعال را در تحولات افغانستان بازی کند. بر این اساس، این کشور منافی را برای خود در افغانستان متصور است و نگرانی‌هایی نیز دارد. «اختلاف بر سر حق آب رودخانه هلمند»، «مهاجران افغان در ایران»، «نگرانی‌های امنیتی این کشور در مرزهای مشترک با افغانستان»، «حضور نیروهای امریکایی در افغانستان»، «جنگ نیابتی این کشور با عربستان سعودی در افغانستان»، «صدور انقلاب»، «منافع اقتصادی این کشور در افغانستان»، «مواد مخدر»، «قاچاق انسان و مهاجرت غیرقانونی» و «تروریسم و طالبان» مهم‌ترین مسائلی است که ایران راجع به آن احساس نگرانی می‌کند.

با وجود این، ایران نتوانست جایگاهی را که مورد انتظارش است در تحولات افغانستان به‌دست آورد. مهم‌ترین عامل در این عرصه،

سخی‌داد هانف

طنز نویس

اخیرا بانوی اول کشور در سخنانی که به مناسبت ارزش مردم‌سالاری بیان کرد، به ما اطلاع داد که نمایندگان پارلمان کار خود را بلد نیستند. منظور ایشان این نبود که هر کسی را که رییس‌جمهور نامزد وزارت می‌کند، پارلمان حتما باید تأیید کند. نه، این نبود. تنها منظوری که ایشان داشت این بود که پارلمان زن کیست و از چه وقت به این سو در امور تأیید نامزدوزیران دخالت می‌کند.

البته ایشان نگفت پارلمان زن کیست؛ چون اگر می‌گفت، واقعا به زنان توهین می‌شد. اما منظورش کمابیش همان بود. بعد که سخنان ایشان به گوش پارلمانیان رسید، پارلمانیان گفتند که کی به لبنانیان این حق را داده که در امور مملکت ما دخالت کنند. این است که مسأله، به قول استاد اجمل احمدی، خیلی همگان را جدی گرفت.

حکومت که دید بانوی اول قضیه را بی‌جا کاپویده (از آن کاپویدن‌های مملو از گاف)

و گاف بزرگی مرتکب شده، فوراً پناه برد به همان دوايي که دروي همهي دردهای ماست: سوء تفاهم. گفتند سوء تفاهم شده. گفتند منظور بانوی اول این بود که در لبنان هر وقت که می‌خواهند نمایندگان پارلمان را ناز بدهند، به آنان می‌گویند «خاک بر سرتان، کارتان را بلد نیستید». آگاهان گفتند خانه‌ی‌تان خراب شود الهی. در این مملکت به خاطر تفاهم نیم مردم را سیل می‌برد؛ این وقت سوء تفاهم است؟ این وقت ناز دادن است؟

البته فقط سوء تفاهم نیست. خیلی سوء‌های دیگر هم داریم. مثلا:

سوء تضاد: سوء تضاد به مودی گفته می‌شود که حکومت یکی از مأموران خود را دوباره مأمور می‌کند که علیه حکومت مواضع تند بگیرد. یعنی مواضعش با مواضع حکومت تضاد کند. البته تضاد کنترل‌شده است. یک وقت می‌بینید که این تضاد زرگری واقعا باعث اختلاف شده و کار به دشنام‌های رکیک خواهر-مادری رسیده. به این سوء

سوء تخارم

خوب بیایید ببرید. شصت میلیون به این و صد میلیون به آن و دوصد میلیون به آن دیگری می‌دهد و سوء تراکم رفع می‌شود.

سوء تخارم: در ملک ما حکومت داری خوب یعنی این که تو پشت مرا بخار، من پشت ترا می‌خارم. این خاراندن دو طرفه در لغت قدیم به نام تخارم یاد می‌شد. تخارم هم همیشه بی‌جنجال نیست. گاهی شما به خاطر عشقی که به میهن دارید، پشت حریف خود را خوب، یعنی مسئولانه، می‌خارنید. اما حریف چون فکر می‌کند وزیر خارجه‌ی امریکا پشتیبانش است، یک نگاهی به شما می‌اندازد و تشکر می‌کند و به نظر خودش مسئولیت خود را ادا کرده. شما متوجه می‌شوید که این غیرعادلانه است و توافق سیاسی از اساس معنایش این نیست. این است که شروع می‌کنید به تهدید و این که اگر تکه تکه شوید هم تخارم یک

تضاد می‌گویند. البته سوء تضاد راه حل هم دارد. طرفین می‌نشینند و لنگی‌های کته به سر خود می‌زنند و طرف آزرده مورد پرسش سفیر کبیر باید گردد قرار می‌گیرد. سوء تراکم: بیشتر از اصطلاحات مربوط به کد ۹۱ است. رییس‌جمهور میلیون‌ها دالر را در این کد می‌گذارد و هرچه رفقایش صبر می‌کنند چیزی برای‌شان حاصل نمی‌شود. می‌دانند فلان مقدار میلیون دالر در کد ۹۱ تراکم کرده، اما هنوز کاسه‌ی صبرشان لبریز نشده. اگر لبریز هم شده، هنوز دچار سوء لبریز نشده. بعد از مدتی زمزمه‌هایی بالا می‌گیرد مبنی بر این که پول بیت‌المال در دست یک نفر دچار سوء تراکم شده. خلاصه زمزمه که به غالمغال تبدیل شد، رییس‌جمهور می‌بینید که آری والله سوء تراکم صورت گرفته. می‌خندد و می‌گوید



طرفه را نمی‌پذیرید. طرف می‌بیند که سوء تخارم ایجاد شده و به شما دو صد و نود و هشت میلیون و چهار صد هزار و سه صد و

رنج مضاعف ساره

روایت در دسرهای ساره پس از کشته شدن شوهرش که عضو ارتش بود

عبدالحسین هم ختم نمی‌شود. سال‌های گذشته (۱۳۹۷) زمانی که عبدالحسین برای پیوستن سومین بار به ارتش افغانستان به کابل می‌آید، ساره دست به خودکشی می‌زند. ساره می‌گوید که در نبود شوهرش، برادر شوهرش بدون دلیل او را لت‌وکوب می‌کرده است. یک بار وقتی از سوی شوهر برادرش لت‌وکوب می‌شود، اسلحه برداشته و به سوی خودش شلیک می‌کند اما زنده می‌ماند: «نشان زخم هنوز روی بدنم باقی مانده است.»

به گفته‌ی او حالا با در نظر داشت این جنجال چند سال پیش و امتیازات مالی که بعد کشته شدن شوهرش از سوی دولت پرداخت می‌شود، زمینه را برای ساره و فرزندانش تنگ ساخته است. ساره بعد چند ماه زندگی در خانه مادرش، وقتی موضوع گرفتن فرزندانش جدی می‌شود، تصمیم به فرار می‌گیرد. حدود یک ماه (اول قوس ۱۳۹۹)، زهرا و سیما را برداشته و بدون لباس‌ها و وسایل اضافی به صورت پنهانی به کابل می‌آید.

ساره می‌گوید که در ولسوالی کوهستانان دسترسی به خدمات حقوقی اندک است و به همین دلیل به کابل آمده تا هم از خدمات حقوقی لازم بهرمنند شود و هم بتواند حقوق و امتیازات مالی شوهرش را خودش دریافت و دو دخترش را بزرگ کند: «چون ما هم یتیم بودیم و مادرم ما را بزرگ کرده، من نمی‌خواهم دخترانم را رها کنم. می‌خواهم خودم آنها را بزرگ کنم.»

بر اساس قانون مدنی افغانستان و فقه حنفی و جعفری، مادر تا ۹ سالگی حق حضانت دخترانش را دارد. محمدعلی حسنی، حقوق دان و وکیل مدافع در صحبت با اطلاعات روز می‌گوید که بر اساس قانون بعد از ۹ سالگی یک کودک مختار است که با مادرش زندگی می‌کند یا مادرش را ترک کرده و با خانواده پدرش زندگی کند.

آقای حسنی می‌گوید که مادر در صورتی از حق حضانت فرزندانش برخوردار می‌شود که شوهر اختیار نکند و بعضی شرایط دیگر را هم داشته باشد؛ «مادر بد اخلاق نباشد، مادر تربیه سالم بتواند، مادر معتاد نباشد، مادر بدماش نباشد و خرج کودک را تأمین بتواند.»

سیما که دقیق در ۲۰ جدی، در اولین سال روز کشته شدن پدرش سه ساله می‌شود، درک درستی از سرنوشت پدرش ندارد. گاهی به لباسش اشاره کرده می‌گوید که پدرش از دکان برایش خریده و گاهی می‌گوید که پدرش را طالبان با خود برده است. در کابل اما، زندگی سختی در انتظار زهرا، سیما و مادرشان است. از یک سو عریضه به دست میان وزارت‌های دفاع و شهدا و معلولین رفت‌وآمد می‌کند تا امتیازات شوهرش را بعد از این خودش بگیرد و از سوی دیگر، بی‌کسی و زمستان سرد در انتظارش است.

بعد از مراجعه ساره به وزارت دفاع، این وزارت طی یک نامه رسمی به وزارت شهدا و معلولین نگاه داشته است معاش عبدالحسین را تا ختم جنجال‌های فامیلی معطل قرار دهد. ساره تلاش دارد که خودش به جای برادر شوهرش وکالت را بگیرد تا بتواند امتیازات شوهرش را دریافت کند.

اطلاعات روز تلاش کرد با خانواده عبدالحسین هم صحبت کند که به دلیل فعال نبودن شبکه‌های مخابراتی در ولسوالی کوهستانان موفق به انجام این کار نشده است. اما موضوع را با منابع محلی بررسی کردیم. سید عصمت‌الله، مدیر تحریرات دادگاه ولسوالی کوهستانان ولایت سرپل که در جریان پرونده ساره قرار دارد، به اطلاعات روز گفت که این موضوع را تأیید می‌کند: «در محکمه کوهستانان که من مدیر تحریرات آن هستم، اول وثیقه عزل وکالت ترتیب شد و بعد وثیقه وصیت ترتیب شده.» او می‌گوید که این وثیقه‌ها را با تایید شواهدی از روستای مذکور انجام داده است.

در همین حال، اطلاعات روز موضوع را با خیرالله ضیایی، قریه‌دار رسمی دهکده «غزبه‌خانه» که در حال حاضر در مرکز ولایت سرپل زندگی می‌کند، بررسی کرده است. آقای ضیایی به نقل از موسفیدان روستا می‌گوید: «قرار اظهارات موسفیدان، ساره همراه دو کودکاش حدود سه ماه قبل از خانه خودش به خانه برادرانش رفته و توسط برادرانش خواهان حقوق شهیدی شوهرش از پدر و برادران شوهرش شده است. پدر شوهر ساره گفته که ساره و کودکانش باید در خانه خودش زندگی کند تا او بتواند از آن‌ها سرپرستی کند.»

آقای ضیایی به نقل از موسفیدان روستا همچنان می‌گوید: «سه ماه می‌شود که ساره بدون اجازه پدر شوهرش به خانه برادرانش رفته است. این‌که ساره چه در دل دارد و یا چه تصمیم دارد و یا نوعی پدر شوهرش چرا نسبت عروس و نواسه‌هایش کوتاهی کرده و یا چه در دل دارد والله اعلم.»



عبدالواحد حیدری

گزارشگر

زندگی می‌کرده است. بعد از کشته شدن عبدالحسین، برادرش وکالت او را به عهده می‌گیرد تا اکرامیه و امتیازات مالی که برای خانواده شهدا از سوی دولت پرداخت می‌شود، دریافت کند و به زن و بچه‌ی عبدالحسین برساند. ساره می‌گوید که بعد از کشته شدن شوهرش، برادر شوهرش امتیازات مالی را که حق او و فرزندانش است، به او نداده و خودش مصرف کرده است: «وقتی اکرامیه شوهرم را آورد هیچ به من توجه نکرد، پرسیدم که چقدر اکرامیه دریافت کرده است، گفت که ۱۱۶ هزار گرفته و بهانه کرد که آن مبلغ را در این‌جا و آن‌جا ابرای کفن و دفن عبدالحسین مصرف کرده است. دروغ گفت، بعدها یکی از بستگان ما که در کابل زندگی می‌کند گفت که ۲۰۰ هزار اکرامیه گرفته است.» ساره می‌گوید که برادر شوهرش ۲۰۰ هزار اکرامیه عبدالحسین را برای مصارف «گله و طویانه» عروسی خودش به مصرف رسانده است.

به گفته‌ی ساره برادر شوهرش وقتی برای دریافت امتیازات مالی عبدالحسین حساب بانکی باز می‌کند، ساره را در جریان نگذاشته و موضوع را از او پنهان می‌کند. ساره زمانی متوجه می‌شود که برادر شوهرش برای گرفتن پول از بانک به بامیان می‌رود: «وقتی می‌گویم که معاش پدر این کودکان که به من می‌رسد، چرا نمی‌دهی؟ در جوابم می‌گوید در صورتی که پدرم باشد به تو نمی‌رسد. برو دستت خلاص هر جا که می‌روی.»

ساره می‌گوید که مادر شوهرش فوت کرده، پدر شوهرش پیر شده و برادر شوهرش از پدرش حرف‌شونی ندارد. مشکلات ساره به این‌جا ختم نمی‌شود. برادر شوهرش وقتی ازدواج می‌کند، ساره و دو دخترش را از خانه‌اش بیرون کرده و خانه را برای خانم خودش خالی می‌کند.

ساره را به بهانه‌ی مهمانی به خانه مادرش می‌برد: «به خاطر معاش پدر این کودکان برادرش شوهرم تلاش می‌کند که این دو دختر را هم از من بگیرد تا دست من را از معاش شوهرم کوتاه کند.» ساره در خانه مادرش تصمیم‌های خانواده شوهرش را کماکان می‌شنود: «پیغام‌هایشان می‌آید که می‌خواهند فرزندانش را بگیرد و خودم را بی‌سرنوشت رها کند. در منطقه ما رسم هم همین است که می‌گوید اولاد مردم را چه می‌کنی باید تحویل بدهم.»

البته جنجال‌های ساره و برادر شوهرش به امتیازات مالی

ساره حدود یک سال پس از کشته شدن عبدالحسین، شوهرش که سرباز ارتش بوده، دو دخترش را برداشته از ولایت سرپل به کابل آمده است. ساره به اطلاعات روز می‌گوید بعد از کشته شدن عبدالحسین، برادر شوهرش به‌عنوان وکیل خانواده‌ی او تعیین می‌شود تا اکرامیه و امتیازات مالی را که از سوی دولت پرداخت می‌شود، دریافت کند. ساره مدعی است که برادر شوهرش معاش و امتیازات مالی را برای خودش می‌گیرد و به او و فرزندانش هیچ چیزی نمی‌دهد. ساره به کابل آمده تا معاش و امتیازات شوهرش را خودش بگیرد و دو دخترش را بزرگ کند.

ماجرای کشته شدن شوهر ساره

عبدالحسین حدود هفت سال پیش از کاشان ولسوالی کوهستانان ولایت سرپل به ارتش پیوست. در مدت حدود هفت سال در ولایت‌های مختلف و اغلب خطرناک به‌شمول ولسوالی سنگین هلمند و پلخمری بغلان با طالبان جنگید. سال گذشته نورالله قبل از این‌که به دست طالبان در میدان وردک کشته شود، سرباز قول اردوی ۲۱۷ پامیر بوده و در پلخمری بغلان وظیفه اجرا می‌کرده است. حدود یک سال پیش رخصتی گرفته به کابل می‌آید و می‌خواهد از مسیر بامیان به ولسوالی کوهستانان سرپل برود.

ساره اما در دهکده «غزبه‌خانه»، یکی از دهکده‌های کاشان از مربوطات ولسوالی کوهستانان سرپل منتظر شوهرش است. دهکده‌ای که ساره در آن زندگی می‌کند، به خدمات مخابراتی دسترسی ندارد. عصر یکی از روزهای اوایل جدی سال پار یکی از اهالی دهکده خیر آمدن عبدالحسین را به خانواده‌اش می‌رساند.

معمولاً مسیر کابل-کاشان یک روز را در بر می‌گیرد. عصر روز بعد ساره چشم به راه آمدن عبدالحسین است که به‌جای شوهرش قاصد خبر بدی از او می‌آورد. قاصد خبر آورده که عبدالحسین را در میدان وردک طالبان از موتر پایین کرده و با خود برده است. شماری از مردان قریه برای رهایی عبدالحسین عازم بامیان و میدان وردک می‌شوند اما ساره به نذر و خیرات توسل می‌کند تا شوهرش به کاشان سالم برگردد.

تلاش مردم و خیرات ساره نتیجه نمی‌دهد. طالبان عبدالحسین را در ۲۰ جدی ۱۳۹۸ از بین می‌برد اما ساره همچنان به نذر و نیایش ادامه می‌دهد؛ چون کسی خبر کشته شدن شوهرش را به او نداده است: «بعد از یک هفته وقتی جسدش را به خانه آورد به ما خبر داد که عبدالحسین را کشته است.» عبدالحسین سوار یک موتر باری می‌شود تا به سرپل برود. در مورد این‌که عبدالحسین چگونه از سوی طالبان شناسایی شده، ساره حرف و حدیث‌های متفاوتی از مردم می‌شنود؛ یکی می‌گوید که سفر عبدالحسین را کسی از کابل به طالبان گزارش داده و بعضی دیگر می‌گویند که راننده موتر باری با طالبان همدست بوده است.

بعد از کشته شدن عبدالحسین، غم از دست دادن شوهر از یک سو و مشکلات روزگار و سرپرستی و دو فرزند یتیم از سوی دیگر، ساره ۲۶ ساله را در در تنگنا قرار می‌دهد. عبدالحسین با زن و فرزندانش مستقلانه از پدر و برادرانش

عبدالعفی برادر، رییس دفتر سیاسی طالبان به تهران سفر کرد و با وزیر خارجه ایران دیدار و گفت‌وگو داشت. در تازه‌ترین رویداد، وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگویی که روز دوشنبه ۱ جدی ۱۳۹۹ با یکی از رسانه‌های افغانستان داشت، تأکید کرد که ایران همچون بسیاری از کشورها با طالبان ارتباط دارد و آن را ضرورت و مبتنی بر منافع کشورش دانست.

نقش ایران در معادلات صلح و نگرانی‌های مردم افغانستان

وزارت خارجه‌ی ایران در واکنش به امضای توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان، گفت که امریکا جایگاه حقوقی برای امضای قرارداد صلح یا تعیین تکلیف در مورد آینده‌ی افغانستان را ندارد. در این اعلامیه همچنان گفته شد که ایران از هر تحولی که به صلح و ثبات در افغانستان منجر شود، استقبال و در عین حال از تلاش‌هایی که در راستای تأمین صلح در افغانستان تحت رهبری و مالکیت افغان‌ها انجام شود، حمایت می‌کند.

ایران همسایه غربی افغانستان است. این کشور در بخش شرقی خود ۹۴۵ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد. سال‌ها میزبان چند میلیون مهاجر افغان در خاک خود بوده است. به‌نحوی از حوادث و تحولات افغانستان متأثر شده است. بر این اساس به خود حق می‌دهد که نگران آینده منافع خود در افغانستان باشد. ایران همواره تلاش کرده است که اقتدار و مؤثریتش را در افغانستان تثبیت کند. در کنفرانس بن از ساختار جدید پساتالبانی حمایت کرد. اما به‌دلیل نفوذ امریکا در افغانستان و تضاد منافع این کشور با عربستان سعودی در افغانستان به پیمان‌های که خواست ایران بود، نتوانست در فضای جدید افغانستان نقش‌آفرینی کند. ایران هیچ‌وقت از این وضعیت راضی نبوده و به صراحت از ادامه حضور امریکا در افغانستان ابراز نگرانی کرده است.

به باور بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی و امنیتی افغانستان، دلیل گرایش ایران به سمت طالبان، استفاده از این گروه برای تهدید منافع امریکا در افغانستان بوده است. این سیاست، دلیل معنادار بازی دوگانه ایران با دولت افغانستان و رابطه آن با طالبان بوده است. مشکلات تاریخی رابطه ایران و امریکا، همیشه مانع جدی نقش‌آفرینی ایران در منطقه و افغانستان بوده است. این در حالی است که کارشناسان مسائل سیاسی افغانستان معتقدند، این کشور به‌دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی‌اش با افغانستان و نقش همسایگی، می‌تواند در به‌وجود آمدن صلح پایدار در افغانستان، سهم اساسی داشته باشد. مردم افغانستان نیز نگران ماجراجویی‌های ایران در منطقه و افغانستان، جنگ نیابتی این کشور با عربستان و امریکا در افغانستان می‌باشند. نگران این‌که اگر صلحی به‌وجود بیاید، ماجراجویی‌های ایران آن را با تهدید مواجه نکنند.

طنز



بیست و شش افغانی می‌دهد. سوء تخارم این قسمی رفع می‌شود. بقیه‌ی موارد را خودتان حدس بزنید.

نمایندگان کنگره نتوانستند بر سر خواسته‌های ترمپ در بودجه به توافق برسند



در این لایحه، پیش‌بینی شده بود که کاهش نیروهای امریکا در افغانستان و اروپا محدود شود. همچنین در این لایحه آمده بود که اسامی سرداران موافق برده‌داری در جنگ‌های داخلی امریکا از روی پادگان‌ها برداشته شود. در روز دوشنبه نمایندگان همچنین قرار است که برای بار دوم درباره این لایحه رای‌گیری کنند. این بار برای اینکه بتوانند وتوی آقای ترمپ را بی‌اثر کنند. اگر دو سوم از نمایندگان در هر دو مجلس به این لایحه رای دهند، لازم‌الاجرا شده و وتوی آقای ترمپ بی‌اثر می‌شود. آقای ترمپ می‌گوید در لایحه‌های بودجه پیشنهادی، پول امریکایی‌ها تلف شده است.

آقای ترمپ که برای گذراندن تعطیلات به مجموعه تفریحی خود در ایالت فلوریدا رفته است، در روز پنجشنبه سخن بیشتری درباره تصمیم خود مبنی بر وتو کردن لایحه‌های بودجه و کمکی چیزی نگفت. کاخ سفید به صورت رسمی اعلام کرده که رییس‌جمهوری در روز پنجشنبه «به صورت خستگی ناپذیر» در حال کار است و «چندین جلسه حضوری و تلفنی» داشته است. این در حالی است که خبرنگاران او را در صبح روز پنجشنبه در زمین گلف دیده بودند. آقای ترمپ در روز چهارشنبه بودجه دفاعی امریکا را وتو کرده بود. او با دو بخش از این لایحه مخالف بود.

نظر داشتند. دونالد ترمپ، تهدید کرده، در صورتی که تقاضایش عملی نشود، هر دو لایحه را وتو می‌کند. در صورتی که چنین بشود، گروه زیادی از مردم امریکا که حالا روزگارشان از محل حقوق بی‌کاری می‌گذرد در شب سال نو بدون پول می‌مانند. همه‌گیری ویروس کرونا منجر به تعطیلی بسیاری از کسب و کارها در امریکا شد. یکی دیگر از آسیب‌های جانبی امضا نشدن لایحه بودجه کمکی این است که مستاجرهایی که قادر به پرداخت اجاره نبوده‌اند ممکن است که صاحب‌خانه‌ها برایشان حکم تخلیه بگیرند. در جلسه‌ای که روز پنجشنبه در مجلس نمایندگان امریکا برگزار شد، دموکرات‌ها پیشنهاد دادند که به خواسته آقای ترمپ رقم پرداختی به مردم به دوهزار دالر افزایش یابد. جمهوری‌خواهان با این پیشنهاد مخالفت کردند. جمهوری‌خواهان هم متقابلاً پیشنهاد دادند که به خواست آقای ترمپ، کمک‌های خارجی قطع شود. حالا نوبت به دموکرات‌ها بود که جلوی تغییر این بخش از لایحه را بگیرند. نانسی پلوسی، رییس مجلس نمایندگان امریکا، تصمیم دارد که در روز دوشنبه جلسه دیگری تشکیل دهد و بار دیگر پیشنهاد دو هزار دالری آقای ترمپ را به رای بگذارد. او همچنین می‌خواهد لایحه بودجه موقت را به رای بگذارد که از تعطیلی دولت امریکا جلوگیری کند. جمعه روز کریسمس و در امریکا تعطیل رسمی است. شنبه و یکشنبه هم تعطیلات آخر هفته هستند.

اطلاعات روز: دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در مجلس نمایندگان امریکا، اصلاحات پیشنهادی دیگری برای تغییر بودجه کمکی به مردم را سد کرده و نگذاشتند خواسته‌های دونالد ترمپ به اجرا درآید. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، بودجه کمکی ۹۰۰ میلیارد دالر ارزش دارد و به همراه لایحه بودجه فدرال به ارزش یک تریلیون و چهارصد میلیارد دالر به تصویب رسیده بود. هر دو حزب بعد از مدت‌ها چانه‌زنی توانسته بودند بر سر جزییات هر دو لایحه بودجه به توافق برسند. اما خواسته‌های آقای ترمپ که تازه بعد از پایان تصویب بودجه مطرح شد، باعث شد که سرانجام این دو لایحه به ابهام برود. بنا به آنچه که در بودجه کمکی آمده، اکثر شهروندان و مهاجران قانونی، مبلغ ششصد دالر بابت کمک خرج از دولت می‌گیرند. دموکرات‌ها می‌خواستند دولت کمک بیشتری به مردم بکند و جمهوری‌خواهان برای کمک کوچک‌تری می‌جنگیدند. اما در نهایت با پیشنهاد وزیر دارایی عدد ۶۰۰ دالر به تصویب رسید. آقای ترمپ که در ماه‌های اخیر بیشتر توجهش به انتخابات ریاست‌جمهوری بود و عملاً چندان کاری به مذاکرات مربوط به لایحه بودجه نداشت، روز چهارشنبه خواهان افزایش کمک نقدی به نفری دو هزار دالر شد. او همچنین گفت که باید کمک خارجی امریکا به کشورهای دیگر قطع شود و به مردم خود امریکا پول پرداخت شود. بخش عمده‌ای از اعضای حزب دموکرات با پیشنهاد افزایش کمک نقدی به مردم موافق بودند. اکثر جمهوری‌خواهان اما با رییس‌جمهوری هم‌حزبی خود در این زمینه اختلاف

سرقت یک میلیون دالر اسکناس‌های ارسالی ایران به روسیه از جعبه‌های ودکا

دولت در خرید و تامین واکسن کرونا جنجال بر سر تحریم‌های بانکی و همچنین تصویب لوایح اف‌تی‌اف و پیامدهای آن برای کشور افزایش یافت. علی‌مطهری، نایب‌رییس سابق مجلس، در همین زمینه در تویترش نوشت که سهمیه ایران از واکسن‌های سازمان جهانی بهداشت به دلیل قرار گرفتن کشور در فهرست سیاه کارگروه ویژه اقدام مالی و عدم توانایی انتقال هزینه باطل شده است. موضوع انتقال «چمدانی» پول نقد توسط ایران یک بار در سال ۱۳۹۳، مطرح و رسماً تایید شد. در آن سال، پیش از عقد برجام و رفع برخی تحریم‌ها، سخنگوی دولت روحانی نقل و انتقال «چمدان» به چمدان، پول را تایید کرده بود. این تایید پس از آن صورت گرفت که الیاس نادران، نماینده وقت تهران، مساله خروج محموله‌های ارزی بانک مرکزی با چمدان‌های اسکناس و توقیف یکی از آن‌ها در فرودگاه با دستور دادستانی را مطرح کرد.

را به سفیر روسیه در تهران تحویل داده بود. تحویل این پول به صورت نقد و انتقال آن در تعدادی کارتون و جعبه مهر و موم‌شده ودکا صورت گرفته بود. جمهوری اسلامی با تشدید تحریم‌های بانکی بسیاری از نقل و انتقال‌های پولی خود با کشورهای دیگر را به صورت نقد و یا از طریق صرافی‌هایی انجام می‌دهد که خود هدف تحریم‌های امریکا و متحدان آن قرار می‌گیرند. در یکی از آخرین این اقدامات روز سه‌شنبه وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرد دستور توقیف چهار میلیون دالر پول نقدی را داده که ایران برای گروه حماس در نوار غزه از طریق یک صرافی ارسال کرده بود. این اقدام در چارچوب سیاست‌های ضدتروریستی اسرائیل علیه حماس صورت گرفت. مقام‌های حکومت ایران بعضاً تاثیر تحریم‌ها را رد می‌کنند، با این حال اخیراً با تشدید ابهام و تاخیر

اطلاعات روز: رسانه‌های روسی گزارش داده‌اند حدود یک میلیون دالر پول نقد پرداختی از سوی حکومت ایران که به صورت بسته‌بندی در جعبه‌های نوشیدنی الکلی ودکا به روسیه ارسال شده بود، به سرقت رفته است. شبکه تلویزیونی «رن» روسیه روز پنجشنبه چهارم جدی گزارش داد یک کارشناس ارشد بخش دارایی وزارت خارجه این کشور در مسکو در ارتباط با دزدی بیش از یک میلیون دالر از پول نقد درآمد دولت روسیه در سال ۲۰۱۹ میلادی، دستگیر شده و پرونده‌اش در حال رسیدگی است. به نقل از ایران اینترنشنال، این پول بخشی از یک و نیم میلیون دالر پرداختی ایران در ازای ارائه خدمات کنسولی به روسیه بوده است. شبکه «راشاتودی» در همین زمینه نوشته ایران که به دلیل تحریم‌های امریکا علیه سیستم بانکی خود نقل و انتقالات را به صورت نقدی ترتیب می‌دهد و ظاهراً پول



«تلاش رییس‌جمهور آذربایجان» برای تنش‌زدایی از روابط ترکیه و اسرائیل

به گزارش رویترز، آقای کاسین در حالی که برای ازسرگیری خریدهای تسلیحاتی ترکیه از اسرائیل نیز ابراز آمادگی کرد، احتمال داد که بتوان تا سه ماه دیگر سفارتخانه‌های دو کشور را کاملاً فعال کرد و سفیران را به کشور مقابل برگرداند. سایت المانیاتور در روزهای اخیر گزارش داده بود که رییس‌میت، سازمان اطلاعات ترکیه، مذاکرات محرمانه‌ای در دوره اخیر با مقامات اسرائیلی، برای بهبود روابط فیما بین انجام داده است. ترکیه و اسرائیل دهه‌ها روابط کامل سیاسی در سطح سفارت داشتند. اما از زمان حمله اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۸ و سپس حمله ارتش اسرائیل به سرنشینان کشتی ترکیه‌ای ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰ که در راه رفتن به غزه بودند، بحران دایمی دامنگیر این روابط بوده است. ترکیه سال‌هاست که سفیری به اسرائیل اعزام نکرده و دو سال پیش نیز سفیر اسرائیل در آنکارا را در اعتراض به عملکرد اسرائیل در حرم شریف در بیت‌المقدس/ اورشلیم اخراج کرد.

آقای اردوغان که پیشینه طولانی در بیان اظهارات تند علیه اسرائیل دارد، ظاهراً در پاسخ به کوشش الهام علی‌اف، و در راستای بهبود رابطه ترکیه با اسرائیل، در دوره اخیر از بیان انتقاد از اسرائیل خودداری کرده است. آخرین بار، آقای اردوغان اوایل پاییز با گفتن این‌که بیت‌المقدس «شهر ما مسلمانان است»، اسرائیل را خشمگین کرد؛ او عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با اسرائیل را نیز خیانت نامیده و نوهش کرده بود. اما ظاهراً پس از آن دیگر به اسرائیل حمله لفظی نکرده است. رسانه‌های اسرائیل نوشته‌اند، با روشن شدن پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا، در حالی که ترکیه و اسرائیل مناسبات نزدیکی با دونالد ترمپ داشتند، رجب طیب اردوغان توسط دستیاران خود نیز به اسرائیل «جراغ سبز» نشان داده که آماده بهبود مناسبات فیما بین، در آستانه ورود جو بایدن به کاخ سفید است. مسوت کاسین، مشاور آقای اردوغان در امور سیاست خارجی، روز دوم دی گفته بود: «اگر اسرائیل یک گام به سوی ما بیاید، ما دو قدم به سوی او برمی‌داریم.»

اسرائیل و ترکیه از آذربایجان در جنگ اخیر این جمهوری با ارمنستان بر سر منطقه ناگورنو قره‌باغ، به الهام علی‌اف جهت کوشش برای رفع تنش ترکیه و اسرائیل انگیزه داده است. جنگ اخیر شش هفته‌ای قره‌باغ، با پیروزی چشمگیر ارتش آذربایجان در تصرف بخش‌های وسیعی از این منطقه مورد نزاع و تحمیل پذیرش شکست به ارمنستان، به پایان رسید. ترکیه به صورت آشکار و قاطع از آذربایجان در نبرد اخیر قره‌باغ حمایت، و حتی برای اعزام نیروی نظامی ابراز آمادگی کرد. اسرائیل نیز ارسال انواع تسلیحات برای ارتش آذربایجان در آستانه آن جنگ و در طول یک ماه و نیم نبردها را گسترش داد در حالی که دقیقاً در همان زمان، سفارت ارمنستان در تل‌آویو گشایش یافته بود. مقامات ارشد آذربایجان، از جمله حکمت حاجی‌اف، مشاور ارشد الهام علی‌اف، آشکارا کارایی تسلیحات اسرائیلی، از جمله پهپادهای تهاجمی از نوع انتحاری را در نبردهای قره‌باغ تحسین کرده بودند.

اطلاعات روز: رسانه‌های اسرائیل گزارش داده‌اند که الهام علی‌اف، رییس‌جمهوری آذربایجان، با هدف بهبود روابط ترکیه و اسرائیل به یک رشته «گام‌های عملی» روی آورده است. بر اساس این گزارش‌ها، الهام علی‌اف در گفت‌وگوی تلفنی در طول هفته جاری با رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهوری ترکیه، پیشنهاد میانجی‌گری برای تنش‌زدایی از روابط اسرائیل و ترکیه را مطرح کرد. والانیوز و جرورالم پست نوشته‌اند که دو دولت ترکیه و اسرائیل فعلاً به این کوشش، روی باز نشان داده‌اند. به نقل از رادیو فردا، جیحون بایراموف، وزیر امور خارجه ترکیه، نیز هفته گذشته در تماس تلفنی با هم‌تای اسرائیلی‌اش، گابی اشکنازی، گفته بود که باکو علاقه‌مند به تلاش برای بهبود روابط اسرائیل و ترکیه است. مقامات ارشد اسرائیلی در این زمینه به والانیوز گفته‌اند که آذربایجان خواهان آن است که دو دوست مهم باکو به مسیر مناسبات عادی خود بازگردند. به نوشته رسانه‌های اسرائیلی، حمایت مشترک نظامی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

اخراج توخل؛ مانع جدید برای انتقال امباپه به رئال



اخراج توماس توخل از PSG مانع دیگری بر سر راه انتقال امباپه به رئال خواهد بود چرا که پاری سن ژرمن به پوچتینو قول داده که امباپه در پاریس خواهد ماند.

اخراج شوکه کننده توماس توخل از پاری سن ژرمن برای رئال مادرید خبری ناگوار بوده چرا که بر اساس گزارش برخی رسانه‌ها از جمله آس رئال می‌داند که در شرایط جدید خرید کیلیان امباپه از پاری سن ژرمن برایش دشوارتر خواهد شد. علت این است که برخی منابع نزدیک به PSG اعلام کرده اند باشگاه فرانسوی به گزینه مد نظر خود برای جانشینی توخل، یعنی مائوریسیو پوچتینو، قول داده که در صورت پذیرش پیشنهاد مربی گری در پاریس، خیالش از ماندگار شدن امباپه راحت باشد.

کیلیان امباپه رابطه پرتنش با توماس توخل سرمربی اخراجی PSG داشت. رئال مادرید تا پیش از اخراج روز پنجشنبه در باشگاه پاریسی برنامه مشخصی برای خرید پدیده فرانسوی طراحی کرده بود و منتظر تابستان آینده بود. اما تنها عاملی که پرز و دیگر مدیران رئال در محاسبات خود نیاورده بودند اخراج توخل بود.

حتی گفته می‌شود اخراج توخل ممکن است تاکتیکی از سوی مدیریت باشگاه PSG و لئوناردو مدیر ورزشی باشگاه برای جلوگیری از انتقال کیلیان امباپه باشد.

رابطه امباپه و توخل فصل گذشته به اوج تنش رسید زمانی که تعویض امباپه در دو بازی در لیگ فرانسه با واکنش عصبانی امباپه مواجه شد و توخل در پاسخ گفت «این فوتبال است نه ورزش انفرادی مثل تنیس. من مربی هستم و من هستم که تصمیم می‌گیرم». تنش تا جایی بالا گرفت که لئوناردو مجبور به مداخله شده و با توخل صحبت کرد تا در نهایت آنها از آسیاب بیفتند. حالا PSG می‌تواند به امباپه متذکر شود که سرمربی‌ای که با او رابطه پرتنش داشت دیگر در تیم حضور ندارد و او یکی از بهانه‌های خود برای جدا شدن از تیمش را از دست داده است.

و به خصوص دقایق پایانی قدرت خود را نشان داده است. برتری فیزیکی خیلی از بازیکنانش در این زمینه تعیین کننده بودند. در رابطه با یورته این موضوع کاملاً آشکار است اما او تنها بازیکنی نیست که از لحاظ جسمانی در وضعیت خیلی خوبی به سر می‌برد و می‌تواند با این ویژگی برتر از بازیکنان حریف باشد.

تشنه‌تر از همه روخی بلانکو از میان تیم‌های حاضر در لالیگا تشنه از تر همه است. مادرید و بارسا همه عناوین را فتح کردند اما اتلتیکو از سال ۲۰۱۴ نه در لالیگا و نه لیگ قهرمانان جامی تیم است هرگز قهرمانی در این دو رقابت بزرگ را تجربه نکرده است.

گروه متحد زمانی که مشکلی وجود دارد مانند واکنش بازیکنان به تعویض‌ها صحبت از رختکن می‌شود، به گروه متحدی مربوط است که هیچکس بالاتر از دیگری نیست و نه حتی آن‌هایی که ستاره محسوب می‌شوند. سوارس با وجود افتخارات زیادی که کسب کرده و کوکه به عنوان یک بازیکن قدیمی تیم هم برتری نسبت به دیگر بازیکنان ندارند. در چنین شرایطی اگر همه چیز خوب پیش برود مشکلی به وجود نمی‌آید. سیمئونه

او کلید اصلی است و رهبر گروه به حساب می‌آید. مردی که به تازگی رکورد ۳۰۰ پیروزی با اتلتیکو را به نام خود ثبت کرد هویت این تیم را عوض کرد تا برای کسب همه عناوین بجنگد. همانطور که مارکا اعلام کرده قرار است قرارداد سرمربی آرژانتینی که تا سال ۲۰۲۲ است تمدید شود. سیمئونه اکنون در مسیر فتح دوباره لالیگا قرار دارد.

۱۰ دلیلی که اتلتیکو می‌تواند قهرمان لالیگا شود

دو چاقو در کنارها یورته و کاراسکو به چاقوی تهاجمی تیم تبدیل شده‌اند. دو بازیکنان خطر ساز ظاهر می‌شوند، دفاع حریف را از هم باز می‌کنند و نتیجه را تعیین می‌کنند. همچنین توانایی ضد حمله دارند. به خاطر تاثیرشان در حمله‌ها دو بازیکن حیاتی برای تیم به حساب می‌آیند، همچنین در خط دفاعی هم چنین ویژگی را دارند. دو بازیکن اساسی برای سیمئونه هستند.

باور به توانایی‌هایشان این اتلتیکو به توانایی‌هایش اعتماد دارد. زمانی که بازی مساوی است به دنبال پیروزی است و هنگامی که آن را به دست می‌آورد می‌خواهد گل دوم را هم به ثمر برساند. تیم بر این باور است می‌تواند فصلش باشد و جام قهرمانی را بالای سر ببرد. قرمز و سفیدپوشان در بدترین لحظات خود را نشان داده اند که می‌توانند برخیزند، مانند کسب دو پیروزی پیاپی پس از شکست در داری مادرید.

برتری جسمانی در خیلی از بازی‌ها اتلتیکو در نیمه دوم

همچون رئال سوسیداد است. ذخیره‌های کارآمد با وجود آسیب دیدگی خوسه خیمنس و ژائو فلیکس، دو رهبر تیم، سیمئونه از بازیکنانی همچون سائول، کندوگبیا، کاستا و لودی استفاده کرد. همچنین در نیمکت بازیکنانی همچون ویتولو و توریرا را در اختیار داشت. استعداد بالا در نیمکت موجب می‌شود زمانی که شرایط بد پیش می‌رود ذخیره‌ها به تیم کمک کنند و همه چیز را به نفع خود پیش ببرند. همچنین می‌توانند در دقایق پایانی بازی تعیین کننده باشند.

وابسته نبودن به هیچ بازیکنی اتلتیکو بدون سوارس، بارسا را شکست داد و بدون فلیکس از سد رئال سوسیداد عبور کرد. این دو بازی بهترین مثال هستند تا نشان دهند روخی بلانکو به هیچ یک از ستاره‌های خود وابسته نیست. شاید اوپلاک و کوکه تنها بازیکنانی هستند که جایگزینی ندارند. بقیه جانشینانی دارند که می‌توانند مانند آن‌ها خوب کار کنند یا شاید هم بهتر عمل کنند. این یک ارزش اضافی در فصل طولانی محسوب می‌شود.



ناکامی رئال و اتلتیکو در جذب مدافع بارسلونا

تلاش بودند او را به اتلتیکو مادرید ببرند. مقصد او در نهایت یک تیم بزرگ می‌شد و سرنوشت برایش بارسا را رقم زد. معتقدم او تا به اینجا برای بارسا خوب کار کرده ولی نباید با کارلس پویول مقایسه اش کرد. این مقایسه‌ها کمکی به رونالد نمی‌کنند. او هفته قبل به سوسیداد گل زد و از این اتفاق شگفت زده نشدم چون در اروگوئه هم شم بالای گلزنی او با ضربات سر را دیده بودم. این یکی از خصوصیات خوب فوتبالیست است.»

بود که نقش اول را در جذب او داشت. آرئوگوئه برای تیم دوم بارسا بازی‌های خوبی انجام داد و در نهایت توانست به تیم اول برسد. طبق ادعای رامون مارتینز مربی آرئوگوئه در رنتیستاس رئال و اتلتیکو نیز برای جذب آرئوگوئه اقدام کرده بودند ولی در نهایت بارسا موفق تر عمل کرد. او به رادیو کاتالونیا گفت: «بارسا طی هشت یا نه روز کار جذب رونالد آرئوگوئه را تمام کرد در حالی که رئال مادرید نیز قصد جذب او را داشت. دوستانی نیز در

اینکه روی رونالد آرئوگوئه مدافع ۲۱ ساله اروگوئه ای تیم دوم بارسا حساب کند. بازیکنی که فصل گذشته توانسته بود چندین بازی برای تیم اول انجام داد و امیدوارکننده هم کار کرد. آرئوگوئه در تیم رنتیستاس در دسته دوم اروگوئه بود که رشد یافت و توانست سال ۲۰۱۷ اولین بازی‌های خود را در این تیم انجام دهد. او سپس راهی بوستون ریور در دسته اول اروگوئه شد ولی خیلی زود و سال ۲۰۱۸ به بارسلونا رفت. رامون پلانسی مدیر ورزشی بارسلونا

رونالد آرئوگوئه سال ۲۰۱۸ و قبل از پیوستن به بارسلونا مورد توجه دو باشگاه بزرگ مادریدی نیز قرار داشت. بارسا در تمام تابستان به دنبال جذب یک مدافع جدید بود. رونالد کومان سرمربی هالندی بارسا بارها تاکید کرد که تیمش به یک مدافع میانی نیاز دارد و باشگاه کاتالان تلاش زیادی هم داشت تا اریک گارسیا را از سیتی جذب کند اما به دلیل مشکلات اقتصادی چنین چیزی اتفاق نیفتاد. در نهایت کومان چاره‌ای نداشت جز



جمهوری اسلامی افغانستان
اداره ملی تنظیم امور آب

د افغانستان اسلامی جمهوری
د اوبو د چارو د تنظیم ملی اداره

ریاست عمومی مالی واداری
ریاست تدارکات
آمریت تدارکات امور ساختمانی
مدیریت عمومی تدارکات ساختمانی

«اعلان تدارکات»

موضوع: پروژه (چکدم‌های ولایت بادغیس شامل چهار لات).

اداره ملی تنظیم امور آب از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروژه داوطلبی پروژه (چکدم‌های ولایت بادغیس) که مشخصات آن در جدول جداگانه ضم‌مکتوب‌ها می‌باشد اشتراک نموده و سافت شرطنامه مربوطه را در حافظه یا فلش دسک و یا از وب‌سایت‌های اداره ملی تنظیم امور آب، و اداره تدارکات ملی به دست آورده، آفر‌های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرز العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر تاریخ ۲۸/۱۰/۱۳۹۹ به امریت تدارکات امور ساختمانی ریاست تدارکات، تعمیر شماره شش منزل چهارم، سرک دارالامان سناتوریم، اداره ملی تنظیم امور آب تسلیم نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

تضمین آفر به صورت تضمین بانکی که مبلغ آن در جدول منضمه این مکتوب است بوده جلسه آفرگشایی مورخ ۲۸/۱۰/۱۳۹۹ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق آفرگشایی ریاست تدارکات تعمیر شماره شش منزل چهارم تدویر می‌گردد.

شماره	نام و شماره داوطلبی پروژه‌ها	مبلغ تضمین آفر به افغانی
۱	لات اول: پروژه چکدم نجک چاکرها ولسوالی قلعه‌نو ولایت بادغیس NWARA/PD/W009-1400/NCB	۱۱۲۰۰۰
۲	لات دوم: پروژه چکدم خارستان قریه خارستان ولسوالی مقر ولایت بادغیس NWARA/PD/W010-1400/NCB	۱۱۲۰۰۰
۳	لات سوم: پروژه چکدم محمدشاه قریه چشمه‌دزدک ولسوالی مقر ولایت بادغیس NWARA/PD/W011-1400/NCB	۱۷۳۰۰۰
۴	لات چهارم: پروژه چکدم عبدالرحیم قریه خارستان ولسوالی مقر ولایت بادغیس NWARA/PD/W012-1400/NCB	۱۳۹۰۰۰

اطلاعات روز



Saturday | 26 December 2020 | Year 09 | No 2055

شنبه | 6 جدی 1399 | سال نهم | شماره 2055

عباس اسدیان

گزارشگر

پانولو فریره، نظریه پرداز تعلیم و تربیت انتقادی، بین سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ کتاب معروف «آموزش ستم‌دیدگان» را در تبعید نوشت. او در این کتاب گفت «رهایی از شر ستم فقط از راه آموزش میسر است و ستم‌دیدگان، در صورتی که آموزش نیندند، حتا اگر تمامی امکانات عالم را در اختیار داشته باشند، به وضعیت ستم‌دیدگی برمی‌گردند.» کمی بعدتر از آن، کسی دیگر به نام آگوستو باول در برازیل، که دیدن بدبختی‌ها و پریشانی‌های مردم ستم‌دیده و بی‌نوا روح و روانش را اذیت می‌کرد روشی را به نام «تئاتر ستم‌دیدگان» به وجود آورد. باول می‌خواست از این طریق به مردمان ستم‌دیده یاد بدهد چگونه وضعیت را تغییر دهند. آدم‌هایی که نه دست‌شان به آسمان بند است و نه جای پای در زمین دارند، «تئاتر ستم‌دیدگان» را تربیونی برای فریاد بیچارگی‌هایشان می‌دانند.

هزاران کیلومتر دورتر از کشوری که آگوستو باول «تئاتر ستم‌دیدگان» را در آن راه‌اندازی کرد، در قلب یکی از نام‌ترین کشورهای جهان، یک گروه کوچک و پرکار از این روش استفاده می‌کند تا به ستم‌دیدگان سرزمین‌شان «امید» و «آرامش» هدیه کند: «سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان (AHRDO)». این نهاد از این روش برای روحیه‌بخشی و تقویت قربانیان جنگ استفاده می‌کند. سلیم رجبی، مدیر ارشد برنامه‌های این سازمان می‌گوید «از روش «تئاتر ستم‌دیدگان» برای بازی‌ها و تمریناتی استفاده می‌شود که به خانواده قربانی کمک می‌کند چگونه آرامش پیدا کنند و چگونه قدرت‌مند شوند: «این روش امید را به خانواده‌های ناامید بر می‌گرداند.»

سازمان کوچک با کار بزرگ

سازمان دموکراسی و حقوق بشر افغانستان در سال ۲۰۰۸ میلادی بنیان‌گذاری شد. در معرفی‌نامه این سازمان آمده است «این سازمان به هدف بهبود حقوق برابر شهروندان افغانستان، مشارکت در توسعه دموکراسی، کشور، ارتقای فهم و تطابق با حقوق بین‌المللی بشردوستانه در هم‌زمان و تطابق با حقوق بشر و حقوق زنان و فرهنگ به منظور تأمین صلح و ارتباط میان قومی و گروهی، گردآوری و بسط یادآوری جمعی میلیون‌ها قربانی جنگ به مثابه یادزهر فرهنگ دیرپای معافیت و خصیصه عمیقاً ریشه‌دار جنگ و خشونت در کشور ایجاد شد.» زمانی که این سازمان در سال ۲۰۰۸ میلادی ایجاد شد، بیشتر ورکشاپ‌هایی برگزار می‌کرد که مقطعی بود و کسی هم از آن باخبر نمی‌شد. به مرور این سازمان ساحه فعالیتش را گسترش داد و تبدیل به یکی از مهم‌ترین آدرس‌هایی شد که در حوزه قربانیان جنگ کار می‌کند.

مسئولان این نهاد می‌گویند سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان در پی برقراری ارتباط نزدیک و «ضوری» با طبقه محروم و به حاشیه رانده‌شده جامعه است. در شناسایی این سازمان نوشته شده است: «توانمندساختن گروه‌های به حاشیه رانده‌شده و آسیب‌پذیر مانند قربانیان جنگ.»

شبکه ملی قربانیان جنگ

بعد از حمله نظامی امریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی تصور عموم بر این بود که افغانستان از حضور تروریست‌ها کاملاً پاک شده و امنیت در این کشور برقرار خواهد شد. اما بعد از چند سال گروه‌های تروریستی، و در رأس آن طالبان، دوباره از گوشه‌وکنار افغانستان قد کشیدند و کشور را بار دیگر به میدان تاخت‌وتاز جنگ‌جویان داخلی و نیروهای بین‌المللی تبدیل کردند. دو طرف جنگ عموماً کسانی‌اند که یا برای‌شان می‌گویند از «وطن دفاع کنید» یا می‌گویند «کشور را از جنگ کفار بیرون بکشید». این‌ها افرادی‌اند که از بازی‌های سیاسی و پشت‌پرده سر در نمی‌آورند. ارتش‌های جنگی در افغانستان هر روز کشته می‌شوند و کشته



سازمان کوچک با کار بزرگ

از تأسیس شبکه ملی قربانیان جنگ تا صندوق خاطرات قربانیان

افغانستان آورده است که از تصور خارج است. تاریخ چهار دهه اخیر افغانستان تاریخ ویرانی، فقر، بی‌خانمانی، خشونت و کشتار است. اگرچند آمار خیلی دقیق از تمام قربانی‌های این چهار دهه وجود ندارد، اما احتمالاً نزدیک به نیمی از خانواده‌های ساکن در این کشور قربانی داده‌اند. قربانیان جنگ در افغانستان عموماً به فراموشی سپرده شده‌اند. بخشی از این کار به این برمی‌گردد که دولت و نهادهای مسئول و جدی در این مورد وجود ندارد، بخشی دیگر هم به این برمی‌گردد که افغانستان آن‌قدر قربانی جنگی زیاد دارد که آمار از دست همه در رفته است. مطلقاً یک روز هم وجود ندارد که کسی در افغانستان به گلوله بسته نشود، در کام انتحاری بلعیده نشود و خانواده‌ای داغدار نگردد. برای همین فراموش شدن این قربانیان هم به چیزی عادی تبدیل شده است.

سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان بخشی از کارش را به جمع‌آوری اشیای باقی مانده از قربانیان جنگ اختصاص داده است. محدودیت و قانون خاص برای جمع‌آوری این اشیاء وجود ندارد و از یک قطعه عکس گرفته تا دفترچه خاطرات، لباس، قلم، عینک، کتاب، تذکره و کفش را شامل می‌شود. حین بازدید از موزیم قربانیان جنگ یک قطعه شعر توجهم را جلب کرد: «خسته‌ام دنیا چه کردی با دل/ دل مگر کافی نبود ویرانه کردی منزل/ می‌خورم هر لحظه هر دم لطمه از شب‌های تو/ جسم بی‌روح و دل خون و تن غم‌پرورم». همراه این قطعه شعر یک عدد عینک شکسته نیز وجود داشت. مسئولان سازمان می‌گویند این کار نوعی مبارزه علیه فراموشی و ایجاد همدلی با خانواده قربانیان است. صندوق خاطرات صندوق آرزوهاست، آرزوهایی که به بار ننشستند و مثل گلی در باد پرپر شدند.

جواد زاولستانی، مسئول اجرایی این سازمان می‌گوید «تمایزشگاه صندوق خاطرات قربانیان جنگ در سال ۲۰۱۱ شروع به کار کرد. ایده‌ی ایجاد صندوق این است که به قربانی‌ها احترام گذاشته شده و فرصت پیدا شود تا خانواده قربانیان دردها و رنج‌های‌شان را در فضای عمومی بیان کنند. این کار باعث می‌شود بحث و گفت‌وگو درباره پیامدهای جنگ شکل بگیرد.» زاولستانی علاوه می‌کند «تلاش برای مستندسازی و خشونت در افغانستان بخش‌های اساسی این کار را شکل می‌دهد و ما تلاش می‌کنیم توسط ابتکارات فرهنگی حداقل در برابر فرهنگ معافیت‌طلبی ایستاد شویم و پرسش خلق کنیم. تاریخ افغانستان نباید قربانی‌ها را فراموش کند. روایت باید قربانی‌محور باشد.» مسأله مهم در

معاملات و منافع سیاسی توجه می‌شود. سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان با شعار صلح‌سازی از پایین به بالا تلاش می‌کند برای قربانیان جنگ در این پروسه جایگاهی خلق کند. جواد زاولستانی می‌گوید «پروسه صلح روی بحث‌ها و منافع سیاسی تمرکز داشت. تلاش ما این است که چطور محتوای صلح یک محتوای عادلانه و منصفانه و قربانی‌محور باشد. از جمله، حمایت از قربانی‌ها ادامه پیدا کند و البته این بستگی به حمایت دیگران دارند.» زاولستانی می‌افزاید «ما تلاش می‌کنیم قربانیان مستقلانه و مستقیمانه در پروسه صلح شرکت کنند.» این سازمان برای نایل آمدن به این کار تا به حال طرح‌های مختلف به طرف‌های گفت‌وگو ارائه کرده و تلاش می‌کند حقوق قربانی‌ها نباید زیر پا شود و اعتراف به پوزش‌خواهی، ترمیم قربانی‌ها و غرامت و بازسازی اجتماعی در این‌جا جای بگیرد. جناباتی که تا به حال صورت گرفته است به هیچ‌وجه نباید نادیده گرفته شود.

از طرف دیگر، افغانستان کشوری است که ملیت‌های گوناگون، با فرهنگ و سنت‌های متفاوت از همدیگر، در آن زندگی می‌کنند. این کار خودبه‌خود باعث تشتت و پراکندگی شده است. بنا به پایین بودن سطح آگاهی، و همچنان نبود تسلیحات سفر و گشت‌وگذار، کتله‌های قومی از هم دور نگه داشته شده و همدیگر را به چشم «بیگانه» و «دیگری» می‌بینند.

این سازمان برنامه‌ای را تحت عنوان «حل منازعه قومی، یا صلح‌سازی از پایین به بالا» اجرا کرده است. زاولستانی می‌گوید «از ۲۰۱۵ به بعد این کار را شروع کردیم. هدف ما این بود که درک درست، روابط سالم میان قربانی‌ها به وجود آمده و در عین حال یک مکانیزم ایجاد شود که این‌ها بتوانند با همدیگر تعامل کنند. شبکه ملی قربانیان و شبکه ملی تفاهم و گفت‌وگو میان گروه‌های قومی نمونه‌های از این تلاش‌ها است.» زاولستانی اضافه می‌کند اقوام افغانستان «عموماً براساس یک سلسله پیش‌داوری‌ها و برچسب‌ها همدیگرشان را می‌شناسند. درحالی‌که این یک درک اشتباه است و باعث برقراری روابط ناسالم و حتا ترویج خشونت می‌شود.»

صلح‌سازی از پایین به بالا

بیشتر از دو سال است که گفت‌وگوهای صلح با طالبان جریان دارد، اما هنوز نتیجه‌ی عملی به دست نیامده است. وضعیت نه‌تنها بهبود نیافته بلکه به میزان خشونت‌ها و کشتار هر روز افزوده می‌شود. در گفت‌وگوهای صلح «قربانیان» جنگ از غایبان اصلی این پروسه بوده است. به نظر می‌رسد در گفت‌وگوهای صلح بیش از آن‌که به چیزی به‌نام «مردم» و «قربانی» توجه شود بر سر



عزیزی بانک از سوی MFR (مایکرو فایننس رتینگ) در بخش مالی رتبه بالایی را کسب کرده است



عزیزی بانک اخیراً در درجه بندی بی که توسط MFR (مایکرو فایننس رتینگ) در بخش مالی انجام شده، رتبه بالایی را کسب کرده است. با وجود مشکلات و چالش‌ها در جریان بیماری کرونا، عزیزی بانک درجه (BB+) بدست آورده که علاوه بر مدیریت خوب خطرات و ریسک مؤثر، موقعیت قوی مالی بانک را نشان میدهد.

MFR یک اداره رتبه‌بندی بین‌المللی خصوصی و مستقل است که در زمینه‌های مالی هم‌ممول تخصص دارد. این اداره بیش از ۲۰۰۰ مأموریت رتبه‌بندی را در بیش از ۱۰۰ کشور جهان انجام داده است که از جمله‌ی فعال‌ترین ادارات درجه‌بندی در جهان می‌باشد.

دفتر مرکزی MFR در شهر میلان کشور ایتالیا می‌باشد و دارای دفتر منطقه‌ای در ۴۰۰ جهان است که در بخش تهیه‌تصدیق‌نامه‌های محافظتی هوشمند و رده‌بندی‌های مالی، اعتباری و اجاره‌ای کار میکند.

هفت رهبری عزیزی بانک با حفظ اعتماد مشتریان و گزینش عزیزی بانک منطبق همکار بانک خوبش انظار امتنان می‌نماید